



ما مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم.

« امام خمینی (ره) »

خطبه غدیر

آموزش غیر حضوری و مکاتبه‌ای

ترجمه و مفاهیم خطبه غدیر

به روش پرسش و پاسخ و سئوالات مسابقه‌ای

سرشناسه: محمودیان، مهدی، ۱۳۴۲ -

عنوان و نام پدیدآور: خطبه غدیر: آموزش غیر حضوری و مکاتبه‌ای.../مهدی محمودیان.

با همکاری واحد پژوهش بیت‌القرآن امام علی(ع).

مشخصات نشر: قم: مطاف، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ص.

شابک: ۱-۵-۹۴۵۲۶-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت ۴۰ق --- اثبات خلافت

موضوع: غدیر خم، خطبه

شناسه افزوده: بیت‌القرآن امام علی (ع). واحد پژوهش

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۳۷۱۹م/الف/۵۹۵۶ LC

رده بندی دیویی: ۳۷۴/۴۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۲۰۱۲۳

شناسنامه کتاب

نام کتاب: خطبه غدیر (ترجمه و معانی خطبه غدیر)

مؤلف: مهدی محمودیان (با همکاری واحد پژوهش بیت القرآن امام علی (علیه السلام) قم)

ناشر: انتشارات مطاف

چاپخانه: زلال کوثر

نوبت چاپ: پنجم - ۱۳۹۵

تیراژ: ۶۰۰۰ جلد

قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

شابک: ۱-۵-۹۴۵۲۶-۶۰۰-۹۷۸



مركز طبع آملر ووتگی

کلیه حقوق برای بیت القرآن امام علی علیه السلام قم محفوظ است

مقدمه خطبه غدیر

پیامبر ﷺ پس از بیست و سه سال انجام مأموریت و رسالت الهی، در سال حجه الوداع، سالی که پیامبر ﷺ مأمور به انجام آخرین حج و در واقع سال وداع از امت بزرگ الهی بود، از جانب خداوند مأموریت بسیار مهم و ویژه ای که تکمیل کننده رسالت بیست و سه ساله حضرت بود به ایشان ابلاغ گردید، در این مأموریت بسیار ویژه خداوند پیک وحی حضرت جبرئیل را با پیام و ابلاغیه بسیار مهمی بحضور پیامبر ﷺ فرستاد و در این فرمان مهم الهی خداوند از پیامبر ﷺ خواسته بود که طبق قانون قطعی خداوند در خصوص نبوت یعنی انتخاب وصی بعد از هر پیامبری، باید اوصیاء و جانشین های پیامبر خاتم نیز به امت بزرگ اسلام اعلام گردد و مسلمانان حجت های خداوند بر روی زمین را بعد از پیامبر ﷺ تا قیامت بشناسد و لذا خداوند موکدا دستور داد دوازده جانشین بعد از خود را به مردم اعلام و معرفی نماید.

پیامبر ﷺ به جهت اوضاع سیاسی بسیار حساس که از سوی سران منافقین که متأسفانه در بین صحابه های پیامبر حضور فعال داشتند و پیوسته مشغول ایجاد فتنه های سیاسی و اجتماعی بودند، آن حضرت نیز از توطئه آنان آگاه بود، احساس می کرد که ابلاغ این فرمان خاص خداوند در خصوص تعیین جانشین و جانشین های

بعدی، خطرات جدی را برای رسالت بیست و سه ساله پیامبر ایجاد خواهد کرد و لذا از ابلاغ این فرمان الهی پرهیز می نمود ولی اراده قطعی خداوند این بود که حتما فرمان ولایت بطور رسمی ابلاغ شود و مردم بعد از پیامبر با اطاعت محض از امام مسلمین، راه رسالت را ادامه دهند.

به هر حال حضرت جبرئیل برای بار سوم از جانب خداوند فرمان الهی را طی آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک» با تأکید خاص نازل نمود و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این فرمان الهی را که در حقیقت تکمیل و تداوم رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله بود طی مراسم ویژه ای ابلاغ نمود و هشدارهای لازم را در خصوص توطئه هایی که از سوی منافقین در خصوص جانشینی حضرت علی و یازده امام (علیهم السلام) وجود داشت، پیشگویی نمود، و گوش زد کرد تا مردم با حساسیت ویژه و با بینش سیاسی و معرفت به ولایت امامان خود را، تا قیامت هم بشناسند و هم بشناسانند. همانطوری که پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ابلاغ فرمان الهی، فرمود: که هر حاضری به غایب و هر پدری به فرزند خود باید این واقعیت تاریخی را تبیین کنند.

اسناد حدیث غدیر

بر اساس اسناد اهل سنت در میان اصحاب رسول خدا صد و ده نفر حدیث غدیر را نقل کرده‌اند. احمد بن حنبل صاحب کتاب مسند که یکی از کتب اربعه اهل سنت است این حدیث را با چهل سند، ابن جریر طبری با بیش از هفتاد سند، ابن جزری با هشتاد سند، ابن عقیله با صد و پنج سند و... روایت کرده‌اند.

بیست و چهار نفر از مورخان اهل سنت از جمله طبری، خطیب بغدادی و ابن اثیر و ابن عساکر، بیست و هفت نفر از محدثان اهل سنت از جمله ترمذی، نسائی، ابن مغازی و خطیب خوارزمی، چهارده نفر از مفسران معروف اهل سنت از جمله فخر رازی و ثعلبی و هفت نفر از علمای علم کلام درباره آن بحث کرده‌اند. از اهل سنت تعداد کسانی که مستقلاً درباره غدیر کتاب نوشته‌اند بیست و شش نفر است.

نام چند نفر از علمای اهل سنت که اسم راویان حدیث غدیر را در کتبشان آورده‌اند:

۱- ابن جزری شافعی در کتاب «اسنی المطالب فی مناقب سیدنا ابیطالب»

۲- قاضی محمد بهلول بهجت افندی شافعی در کتاب تاریخ آل محمد

۳- جلال الدین سیوطی در کتاب «ازهار المتناثره فی اخبار المتواتره» و همچنین در کتاب «تاریخ خلفا»

کسانی که حدیث غدیر از آنها نقل شده و نامشان در کتب اهل سنت و شیعه ذکر شده است:

- ابوبکر بن ابی قحافه
- عمر بن خطاب
- عثمان بن عفّان
- عبد الرحمن بن عوف
- عایشه
- سعد بن ابی وقّاص
- اُبیّ بن کعب
- سلمان فارسی
- عمار یاسر
- مقداد
- جابر بن عبدالله انصاری
- عبدالله بن مسعود
- محمد بن ابی بکر

درس اول	شناخت خدا
درس دوم	شناخت خدا
درس سوم	شناخت خدا
درس چهارم	شناخت خدا
درس پنجم	شناخت خدا
درس ششم	شناخت خدا
درس هفتم	شناخت خدا
درس هشتم	شناخت خدا
درس نهم	شناخت خدا
درس دهم	ابلاغ پیام و فرمان الهی
درس یازدهم	ابلاغ رسمی فرمان ولایت
درس دوازدهم	نزول فرمان ولایت توسط جبرئیل علیه السلام
درس سیزدهم	فضائل علی علیه السلام در قرآن
درس چهاردهم	کارشکنی های منافقین
درس پانزدهم	رفتارهای نادرست منافقین با پیامبر صلی الله علیه و آله
درس شانزدهم	ضرورت ابلاغ فرمان ولایت
درس هفدهم	منصوب شدن علی علیه السلام از جانب خدا
درس هجدهم	آخرین و مهمترین سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله
درس نوزدهم	ویژگیهای خاص حضرت علی علیه السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن
درس بیستم	ویژگیهای اختصاصی حضرت علی علیه السلام
درس بیست و یک	توصیه های مکرر و مؤکد پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص علی علیه السلام
درس بیست و دو	بشارت پیامبران الهی بر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و تداوم آن
درس بیست و سه	با فضیلت ترین انسان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله
درس بیست و چهار	هشدار قرآن برای غفلت کنندگان در حق علی علیه السلام

درس بیست و پنج	سفارش اکید پیامبر ﷺ درباره قرآن و علی علیه السلام
درس بیست و شش	دو سفارش مهم پیامبر ﷺ
درس بیست و هفت	تأکید پیامبر ﷺ درباره ولایت علی علیه السلام بر مؤمنین
درس بیست و هشت	انتصاب علی علیه السلام به ولایت مسلمین در حضور مردم
درس بیست و نه	شخصیتی که ظرفیت و استعداد جانشینی پیامبر ﷺ را دارد
درس سیام	حکم قطعی و تغییرناپذیر «ولایت علی علیه السلام» از جانب خداوند
درس سی و یک	کامل شدن دین و ایمان مسلمین به واسطه امامت علی علیه السلام
درس سی و دو	کامل شدن دین مسلمانان با ولایت دوازده امام (علیهم السلام)
درس سی و سه	امتیازات علی علیه السلام در قرآن
درس سی و چهار	ذکر امتیازات علی علیه السلام از زبان پیامبر ﷺ
درس سی و پنج	علت و ریشه مخالفت با منصب ولایت علی علیه السلام
درس سی و شش	هشدارها و توصیه‌های پیامبر ﷺ به مردم در خصوص علی علیه السلام
درس سی و هفت	هشدار به اهداف منافقین
درس سی و هشت	امتیاز خاص علی علیه السلام و فرزندان او و مأموریت ویژه آنان
درس سی و نه	هوشیاری مسلمین در غیاب رهبری جامعه
درس چهل	توطئه‌های شوم منافقین علیه ولایت
درس چهل و یک	تکلیف مهم و همیشگی مسلمین در خصوص ولایت و امامت
درس چهل و دو	هشدار شدید پیامبر و خداوند به غاصبان ولایت
درس چهل و سه	هشدار به تکذیب کنندگان حق
درس چهل و چهار	تأکید پیامبر ﷺ بر اطاعت از اوامر علی علیه السلام
درس چهل و پنج	توصیف علی علیه السلام از قول پیامبر و قرآن
درس چهل و شش	اوصاف و نشانه‌های دوستان و دشمنان ولایت
درس چهل و هفت	اوصاف دوستان ولایت، در آیات قرآن
درس چهل و هشت	عاقبت دردناک دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)

درس چهل و نه	اعتراف به خیانت‌های دشمنان ولایت در روز قیامت
درس پنجاه	نتایج دوستی و دشمنی با اهل بیت (علیهم‌السلام):
درس پنجاه و یک	ویژگیها و ماموریت‌های پیامبر ﷺ و علی ﷺ
درس پنجاه و دو	ویژگیها و ماموریت‌های حضرت مهدی ﷺ
درس پنجاه و سه	رابطه خاص حضرت مهدی ﷺ با خداوند
درس پنجاه و چهار	بیعت گرفتن برای ولایت علی ﷺ
درس پنجاه و پنج	سفارش اکید به انجام حج و توجه به فلسفه و پیام آن
درس پنجاه و شش	عنایت خداوند به حاجیان حقیقی
درس پنجاه و هفت	ماموریت تبیین احکام الهی بعد از پیامبر ﷺ
درس پنجاه و هشت	تاکید پیامبر ﷺ بر مراجعه مردم به حضرت علی ﷺ و امامان (علیهم‌السلام)
درس پنجاه و نه	اهمیت شناخت و ضرورت محافظت از حدود احکام شرعی
درس شصت	عمل به احکام و فروع دین در پرتو ولایت
درس شصت و یک	معرفی امامان (علیهم‌السلام) در آیات قرآن
درس شصت و دو	اهمیت خودسازی و توجه خاص به معاد
درس شصت و سه	مراسم بیعت با امیرالمؤمنین ﷺ و فرزندان‌ش در روز غدیر
درس شصت و چهار	بیعت قطعی و همیشگی مردم با امامان (علیهم‌السلام)
درس شصت و پنج	پیمان محکم مردم با ولایت ائمه اطهار (علیهم‌السلام)
درس شصت و شش	ضرورت اهمیت بیعت و پذیرش ولایت ائمه
درس شصت و هفت	دعوت مردم به پذیرش ولایت امیرالمؤمنین
درس شصت و هشت	فضائل بی‌شمار علی ﷺ در قرآن
درس شصت و نه	عوامل مهم رستگاری
درس هفتاد	ضرورت جلب رضایت خداوند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ
وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ ، وَأَحَاطَ
بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ ، وَقَهَرَ جَمِيعَ
الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُزْهَانِهِ ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ ،
مَحْمُودًا لَا يَزَالُ وَمَجِيدًا لَا يَزُولُ ، وَمُبْدِئًا
وَمُعِيدًا وَكُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ .



علا: بلند مرتبه - عالی مرتبه	لم يزل: همیشه بود
توحد: توحید و یگانگی	محمود: ستایش شده - مورد ستایش
دنا: نزدیک است	لا يزال: از بین نمی‌رود - همیشه
تفرّد: تنهایی - یکتایی - فرد بودن	خواهد بود
جلّ: باشکوه - عظیم‌القدر	مجید: بزرگوار - بلند مرتبه
سلطان: قدرت - تسلط	لم يزل: همیشه است - زوال‌پذیر
عظم: بزرگ است	نیست - زائل شدنی نیست
أركان: ستون‌ها	مبدئاً: ابتداء کننده - آغاز کننده
أحاط: فرا گرفته - احاطه کرده	معید: اعاده کننده - بازگرداننده
قهر: غلبه کرده - سیطره دارد	يعود: باز می‌گردد
حمید: ستوده - پسندیده	

اوصاف خداوند:

ستایش مخصوص خدایی است که با آنکه یکی است (و شریکی ندارد)، بلند مرتبه (و فوق تمام موجودات عالم) است. و با آنکه یکتاست (به بندگانش) نزدیک است. و در قدرتش بلند مرتبه و عظیم القدر است (و کسی را یارای مقابله با توانایی بی‌پایان او نیست). و در (اداره امور دنیا و) ارکان هستی (و سلطنت بر آن) بزرگ (و با عظمت) است (چنانکه توصیف و درک آن از توان انسان خارج است). و با علمش بر همه چیز (عالم) احاطه دارد در حالی که در جای خود حاضر است (و وجودش در یک مکان موجب غفلت او از مکانهای دیگر نمی‌شود).

و همه مخلوقات را، با قدرت و دلایل آشکارش تحت سیطره دارد (چرا که قدرت او نامحدود است و قدرت نامحدود، موجب تسلط بر تمامی موجودات است).

همیشه مورد سپاس بوده و برای همیشه نیز مورد ستایش خواهد بود و صاحب عظمتی است که هرگز از بین رفتنی نیست و آغازگر آفرینش و بازگرداننده آن است و هر کاری به سوی او باز می‌گردد.

بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَدَاحِي الْمَذْحُوتَاتِ وَجَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ ،
 قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ بَرَأَهُ ،
 مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ أَنْشَأَهُ . يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ .
 كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْأَةٍ ، قَدْ وَسَّعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَمَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ .
 لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ .



بَارِئُ: آفریننده - به وجود آورنده	مَسْمُوكَات: آسمانها - بلندی‌ها
دَاحِي: گستراننده - پهن کننده	مَذْحُوتَات: گسترانده شده‌ها - آنچه
جَبَّارُ: فرمانروای مطلق - مسلط و	گسترده شده - زمین‌ها
غالب - جبران کننده و اصلاح کننده	کاستیها
سُبُّوح: منزّه و پاک - کسی که	مخلوقات او را تسبیح می‌کنند
قُدُّوس: پاک و پیراسته - پاک و منزّه	از هر عیب و نقص
مُتَفَضِّل: نیکویی کننده	بَرَأَ: آفرید
مُتَطَوِّل: لطف کننده	
أَنْشَأَ: به وجود آورد	
يَلْحَظُ: می‌بیند - می‌نگرد	
لَا تَرَاهُ: او را نمی‌بیند	
كَرِيم: بخشاینده - کرم کننده	
حَلِيم: بردبار	
ذُو أَنْأَةٍ: تحمل کننده - صبور و	
شکیبا	
وَسَّعَ: در بر گرفت - فرا گرفته است	
مَنْ: نیکویی کرد - نعمت بخشید	
لَا يَعْجَلُ: عجله نمی‌کند	
لَا يُبَادِرُ: شتاب نمی‌کند - مبادرت	
نمی‌ورزد - پیشی نمی‌گیرد	
بِمَا اسْتَحَقُّوا: به آنچه که سزاوار هستند	
- به چیزی که مستحق آن هستند	

اوصاف خداوند:

آفریننده آسمانها و افلاک و گستراننده زمین است (زمین را بسط داده و آن را برای موجوداتی که در آن زندگی می‌کنند گسترده است چنان که آسمانها را برافراشت).

و فرمانروای زمین و آسمانهاست (و هر چیزی را در جای خود و بر اساس مصلحت ایجاد نمود به گونه‌ای که در نظام آفرینش نقصی از نظر خلقت مشاهده نمی‌شود و هیچ مخلوقی هم قدرت سرپیچی از فرمان او را ندارد و خداوند) پاک و منزّه از هر عیب و نقص می‌باشد و کسی است که مخلوقات او را تسبیح می‌کنند و او پروردگار ملائکه و روح است.

بر تمام آنچه خلق کرده است فضل و احسان دارد و بر هر آنچه آفریده است لطف دارد (در واقع آفرینش مخلوقات بر اساس فضل و کرم پروردگار است تا بندگان مشمول رحمت واسعه او گردند و کمال خویش را دریابند).

هر چشمی زیر نظر اوست، (همه را می‌بیند) ولی چشمها او را نمی‌توانند ببینند (مگر چشم باطنی و دیده عقل، فقط به وسیله چشم باطنی و نور عقل می‌توان او را درک نمود) بخشاینده‌ای است بردبار و صبور. رحمتش همه چیز را در بر گرفته و با نعمتش بر همه خلائق منت نهاده است.

در انتقام (از کسانی که نافرمانی‌اش می‌کنند) شتاب نمی‌کند و به آنچه بندگان استحقاق عذاب دارند به سرعت (عذابشان) نمی‌کند (بلکه به آنها مهلت می‌دهد تا به خود آیند و به سوی خدا بازگردند).

قَدْ فَهَمَ السَّرَائِرَ وَعَلِمَ الضَّمَائِرَ ، وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ
وَلَا اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ . لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ
وَالْعَلَبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ ،
وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ . وَهُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ ، دَائِمٌ حَيٌّ
وَقَائِمٌ بِالْقِسْطِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ .



الاحاطة: در بر گرفتن - اشراف داشتن

الغلبة: چیرگی

المنشي: ایجاد کننده - آفریننده

حين: وقت - زمان

دائم: همیشگی - پاینده

قائم بالقسط: به پا دارنده عدل

العزیز: قدرتمند - شکست ناپذیر

الحکیم: از اسماء خداوند (کسی که

کارهایش محکم و دقیق است)

فهم: می فهمد - آگاه است

سرائر: باطن ها - رازهای درونی

علم: می داند

الضمائر: درون انسانها

لم تخف: پنهان نیست - مخفی نیست

المکنونات: امور پنهانی

لا استبته: پوشیده نیست - مشتبّه

نیست

خفیات: امور مخفی و پنهانی

اوصاف خداوند:

رازها را می داند و از قلوب انسانها آگاه است.
 امور پنهانی (و آنچه در قلب انسانها می گذرد) بر او مخفی نیست (و لذا هیچ کس توانایی پنهان کردن خطورات قلبی خود را از خدا ندارد).
 امور مخفی و نهانها بر او پوشیده نیست احاطه بر هر چیز، غلبه بر همه موجودات، قوت در هر امری و قدرت بر هر کاری از آن اوست.
 و هیچ چیز مانند او نیست، و او به وجود آورنده اشیاء است هنگامی که هیچ چیز نبود، دائم و همیشه زنده است و بر پا دارنده عدل است (و با عدل و داد حکومت می کند و هر چیزی را در جایگاه مناسب خود قرار می دهد).
 خدایی جز او وجود ندارد و او شکست ناپذیر و حکیم است.

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.
 لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ
 سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ ، إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ . وَأَشْهَدُ أَنَّهُ
 اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ ، وَالَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورُهُ ،
 وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ ، وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ
 فِي تَقْدِيرِهِ ، وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ .

أَشْهَدُ: گواهی می‌دهم

مَلَأَ: پر کرد

الدَّهْرَ: روزگار

قُدْسُهُ: پاکی او - قداستش

يَغْشَى: می‌پوشاند - فرا می‌گیرد

الْأَبَدَ: همیشگی - ابدی

يُنْفِذُ: جاری می‌سازد - اجرا می‌کند

مُشَاوَرَةٍ: مشورت کردن

مُشِيرٍ: راهنما - مشاور

لَا مَعَهُ: نیست همراه او

تَقْدِيرٍ: اندازه‌گیری

تَدْبِيرٍ: تنظیم و مرتب کردن امور

جَلَّ: برتر و بزرگتر است

أَنْ تُدْرِكَهُ: تا درک کند و دریابد او را

أَبْصَارَ: دیدگان - چشم‌ها

اللَّطِيفُ: عالم به امور مخفی و ظریف

الْخَبِيرُ: آگاه دقیق از مسائل

لَا يَلْحَقُ: درک نمی‌کند

وَصَفَهُ: صفات او - توصیفش

مُعَايِنَةٍ: دیدن با چشم

لَا يَجِدُ: نمی‌یابد

كَيْفَ هُوَ: چگونه است او؟

عَلَانِيَةٍ: آشکار بودن

دَلَّ: راهنمایی کرد - دلالت نمود

اوصاف خداوند:

برتر از آن است که دیدگان، او را ببینند در حالی که او چشمها را می‌بندد و او عالم به امور مخفی است و آگاهی دقیق از همه چیز دارد. هیچ کس نمی‌تواند با چشم ظاهری به حقیقت صفات او دست یابد و او را درک کند و احدی نمی‌تواند به چگونگی وجود آشکار و پنهان او دست یابد مگر به وسیله آنچه خودش بر شناخت وجود خودش راهنمایی کرده است (کسی خدا را از راهی به جز آنچه که خود در قرآن معرفی کرده است نمی‌تواند بشناسد و سر مطلب این است که خداوند از حیث ذات و صفات از درک و فهم بشر بیرون است. زیرا خداوند از نظر ذات و صفات، نامحدود است و موجود محدود نمی‌تواند بر وجود نامحدود آگاهی یابد).

و شهادت می‌دهم به اینکه اوست خدایی که پاکی و برکت وجودش روزگار و هستی را پر کرده است و خدایی است که نور وجودش ابدیت را فراگرفته است.

و خدایی است که کارهایش را بدون مشورت با مشاوران انجام می‌دهد. (آنچه را بخواهد انجام می‌دهد و در تدبیر و اجرای امور عالم شریک ندارد و احتیاجی به مشورت برای صحت و سقم یا کیفیت اجرا ندارد). و در اندازه‌گیری و تقدیر (امور عالم) شریکی با او نیست و در تدبیر آن کمک و یاری نمی‌شود (در اداره امور هستی معاون و یاری‌کننده ندارد).

صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلَىٰ غَيْرِ مِثَالٍ ، وَخَلَقَ مَا
 خَلَقَ بِلا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكَلُّفٍ وَلَا اِحْتِيَالٍ .
 أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ ، وَبَرَّأَهَا فَبَانَتْ . فَهُوَ اللَّهُ
 الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنِيعَةُ ، الْحَسَنُ
 الصَّنِيعَةُ ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي
 تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ .



صَوَّرَ: شکل و صورت داد — به	فَبَانَتْ: پس نمایان شد — ظاهر شد
تصویر کشید	الَّذِي: کسی که
ما ابْتَدَعَ: آنچه را که ایجاد کرد	الصَّنِيعَةُ: ساختن — خلق کردن
غَيْرِ مِثَالٍ: بدون الگو و نمونه	الْمُتَّقِنُ: محکم کننده
خَلَقَ: آفرید	الْحَسَنُ: نیکو — زیبا
بِلا مَعُونَةٍ: بدون یاری و کمک —	الصَّنِيعَةُ: آفرینش
بدون معاونت	الْعَدْلُ: عادل
تَكَلُّفٍ: به مشقت و سختی افتادن	لَا يَجُورُ: ظلم نمی کند — جور و ستم
احتیال: چاره اندیشی — حيله کردن	روا نمی دارد
أَنْشَأَهَا: ایجاد کرد آن را	الْأَكْرَمُ: بزرگوار — با کرامت تر
فَكَانَتْ: پس به وجود آمد	تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ: بازگشت امور به
بَرَّأَهَا: خلق کرد آن را	سوی اوست

اوصاف خداوند:

(او خدایی است که) آنچه را به وجود آورده بدون نمونه و مثال، شکل و صورت داده است. و آنچه را آفریده بدون کمک از کسی و بدون سختی و نقشه قبلی بوده است. (پس خداوند متعال در طرح‌ریزی اولیه موجودات و همچنین در ایجاد آنها از هیچ نقشه و الگویی استفاده نکرده بلکه تصویر و ایجاد صورتها کاملاً ابداعی بوده است).

عالم خلقت را (با قدرت خود) ایجاد کرد پس (موجودات عالم طبق اراده او) به وجود آمدند و موجودات را خلق کرد پس آشکار شدند. پس او خدایی است که جز او خدایی نیست. مصنوعات و مخلوقات او در نهایت محکم‌کاری و استحکام است و آفرینش آن زیباست. (و هر یک در جای خود به جاست پس در آفرینش خداوند دو اصل نمایان است: اصل اول محکم و متقن بودن مصنوعات و اصل دوم به جا بودن و به مورد خلق شدن و از حسن و خیر برخوردار بودن آن).

عادلی است که ظلم نمی‌کند. (در واقع صفت ظلم اصلاً در مورد او ممکن نیست). و آن بلندمرتبه والامقامی است که همه امور عالم به او باز می‌گردد. (او منشأ همه امور است و رجوع امور عالم همه به سوی اوست چنانکه قرآن می‌فرماید: و الیه یُرجع الامر کله: بازگشت امور، همه به سوی خداست).

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ ،
وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ ، وَاسْتَسَلَمَ كُلُّ شَيْءٍ
لِقُدْرَتِهِ ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ . مَلِكُ الْأَمْلاكِ
وَمُفْلِكُ الْأَفْلاكِ وَمُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ ، كُلُّ
يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ، يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ
وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَثِيئًا . قَاصِمُ كُلِّ
جَبَّارٍ عَنِيدٍ ، وَمُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ .



أَشْهَدُ: شهادت می‌دهم	يَطْلُبُهُ: دنبال او می‌رود - تعقیب می‌کند او را
تَوَاضَعَ: متواضع و فروتن است	حَثِيئًا: شتابان - به سرعت
خَضَعَ: خوار و ذلیل است	قَاصِمُ: در هم شکننده شدید (شکستن توأم با شدت)
هَيْبَةُ: هیبت - عزت - عظمت	جَبَّارٍ: ظالم - زورگوی ستمگر
مَلِكُ الْأَمْلاكِ: مالک همه ملک‌ها	عَنِيدٍ: سرکش - طغیان‌گر
مُفْلِكُ الْأَفْلاكِ: گرداننده و چرخاننده افلاک و ستارگان	جَبَّارٍ عَنِيدٍ: ظالمی که از روی عناد برخلاف حق عمل کند
مُسَخِّرُ: مهار کننده - رام کننده	مُهْلِكُ: هلاک کننده - نابود کننده
يَجْرِي: جریان دارد - در حرکت است	مَرِيدٍ: سرکش - متمرد
لِأَجَلٍ مُّسَمًّى: تا مدت معین	
يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ: پوشش قرار می‌دهد شب را بر روز	

اوصاف خداوند:

و شهادت می‌دهم اوست خدایی که همه چیز در مقابل قدرتش متواضعند (زیرا که مخلوقات در تمامی شئون و احوال محتاج به خالقند و در هر لحظه از او فیض می‌گیرند، پس تواضع و خضوعشان مسلم است) و در برابر هیبت و عظمتش خوار و ذلیلند (و چگونه مخلوق در برابر قدرت خالق، فروتن نباشد در صورتی که از خود چیزی ندارد و هر چه هست از اوست) و همه چیز در برابر قدرت او تسلیم هستند. مالک همه پادشاهان و هستی‌هاست (مالک اصلی همه هستی‌ها خداست و مالکیت‌های دیگران، عارضی و اعتباری است).

و گرداننده کُرّات و افلاک، و مهار کننده خورشید و ماه است تا (هر یک از مسیر خود منحرف نگردد و) همگی تا زمان معین (و در مداری مشخص) در حرکت باشند.

شب را بر روز پوشش قرار می‌دهد در حالی که شب، شتابان به دنبال روز در حرکت است.

(او خدایی است که) به شدت درهم شکننده هر سرکش طغیانگر و هلاک کننده هر شیطان رانده شده و متمرّد است.

لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نَدٌّ ، أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ . إِلَهٌ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جَدُّ ، يَشَاءُ فَيَمُضِي ،
وَيُرِيدُ فَيَقْضِي ، وَيَعْلَمُ فَيُحْصِي ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، وَيُفْقِرُ وَيُغْنِي ،
وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي ، وَيُذْنِي وَيُقْصِي ، وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي ،
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .



لَمْ يَكُنْ مَعَهُ: نیست برای او	فَيَقْضِي: پس حکم می کند - انجام می دهد
ضِدٌّ: ضد - مخالف	يَعْلَمُ: می داند
نَدٌّ: شبیه - مثل	فَيُحْصِي: پس به شمارش درمی آورد
أَحَدٌ: یکتا	يُمِيتُ: زنده می کند
صَمَدٌ: مقصود نیازمندان - بی نیازی که نیازمندان او را قصد می کنند	يُحْيِي: می میراند
لَمْ يَلِدْ: نزائیده است	يُفْقِرُ: فقیر می کند
لَمْ يُولَدْ: زائیده نشده است	يُغْنِي: ثروتمند می کند
كُفُوًا: همتا - مانند	يُضْحِكُ: می خنداند
وَاحِدٌ: یگانه	يُبْكِي: می گریانند
مَاجِدٌ: بزرگوار - با عظمت	يَمْنَعُ: محروم می کند - منع می کند
يَشَاءُ: می خواهد	يُعْطِي: عطا می کند - می بخشد
فَيَمُضِي: محقق می کند - امضاء می کند	بِيَدِهِ الْخَيْرُ: هر خیری به دست اوست
يُرِيدُ: اراده می کند	

اوصاف خداوند:

با خدا نه کسی (را توان) مخالفت است و نه کسی شریک اوست.

یکتایی است بی نیاز (که نیازمندان قصد او را می کنند و او پناهشان می دهد) نزاییده و زاییده نشده است (زیرا زاد و ولد از شئون جسم است و خدا جسم و جسمانی نیست) و هیچ کس همتای او نیست.

خدایی یکتا و پروردگاری است بزرگوار و با عظمت.

(او خدایی است که هر زمان اراده کند (آنچه را بخواهد) انجام می دهد و) هر گاه هر چه بخواهد حکم می کند (و به ظهور می رساند) و (به مخلوقات) آگاه است و شمارش آنها را می داند. (اوست که در این دنیا) می میراند و (در جهان دیگر) زنده خواهد کرد. (اوست که هر که را بخواهد) فقیر و نیازمند می کند و (هر که را بخواهد) بی نیاز می کند.

(اوست که انسانها را) می خنداند و به گریه وا می دارد و (اوست که بندگان را به سبب طاعت به مقام قرب خود) نزدیک می کند و (به سبب گناه از مقام قرب خود) دور می کند. (اوست که آنچه را بخواهد و از هر که بخواهد) منع می کند و (به هر که اراده کند، هر چه را بخواهد) می بخشد. فرمانروایی (آسمانها و زمین) و ستایش، مخصوص اوست.

همه خیرها به دست اوست و از ناحیه اوست (منشأ تمام خوبیهاست و هر که را بخواهد مشمول آن می کند چرا که او) بر هر چیز تواناست.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ .
 مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجِنَّةِ
 وَالنَّاسِ ؛ الَّذِي لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ ، وَلَا يُضْجَرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَصْرِخِينَ ،
 وَلَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاخُ الْمُلْحِينَ . الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ ، وَالْمَوْفِقُ لِلْمُفْلِحِينَ ،
 وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ ؛ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ
 أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ .



بُولِجُ: داخل می کند	- او را به ستوه در نمی آورد
الْغَفَّارُ: پوشاننده و آمرزنده گناهان	الحاح: اصرار کردن - پافشاری کردن
مُجِيبُ الدُّعَاءِ: اجابت کننده دعا	الْمُلْحِينَ: اصرار کنندگان
مُجْزِلُ الْعَطَاءِ: زیاد دهنده عطا	العاصم: حافظ - نگهدار
مُحْصِي الْأَنْفَاسِ: شمارنده نفسها	الْمَوْفِقُ: توفیق دهنده
رَبُّ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ: پروردگار جن ها و انسانها	الْمُفْلِحِينَ: رستگاران
لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ: برای او دشوار نیست	مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ: سرپرست مؤمنان
لَا يُضْجَرُهُ: آزرده نمی کند او را	اسْتَحَقَّ: سزاوار است
صُرَاخُ: فریاد	كُلُّ مَنْ خَلَقَ: هر کسی را که آفرید
الْمُسْتَصْرِخِينَ: فریاد کنندگان	أَنْ يَشْكُرَهُ: که سپاسگزاری کند او را
لَا يُبْرِمُهُ: ملول و خسته نمی کند او را	يَحْمَدُهُ: حمد و ستایش کند او را

اوصاف خداوند:

(وقتی شب به پایان می‌رسد) شب را در روز و (وقتی روز به پایان می‌رسد) روز را در شب داخل می‌کند. جز او خدایی نیست و او شکست‌ناپذیر و آمرزنده گناهان است.

اجابت کننده دعای (بندگان) و دهنده پاداشها و بسیار عطا کننده به انسانهاست.

شمارنده نَفَس‌های (موجودات) و پروردگار جن و انس است.

هیچ امری بر او دشوار نیست و فریادخواهی هیچ بیچاره‌ای او را نمی‌آزارد (چگونه می‌شود خودش دچار مشکل شود، در حالی که او بر هر چیزی قادر و تواناست).

و پافشاری اصرار کنندگان (برای درخواست احتیاجاتشان) او را به ستوه در نمی‌آورد

حافظ و نگهدار نیکوکاران و توفیق دهنده رستگاران و صاحب اختیار مؤمنین و پروردگار همه موجودات است (و در حقیقت، در عالم وجود، مولای واقعی فقط اوست).

اوست که از جانب همه موجودات، مستحقّ شکرگزاری و ستایش است.

أَحْمَدُهُ كَثِيراً وَأَشْكُرُهُ دَائِماً عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ
وَالرَّخَاءِ ، وَأُؤْمِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ . أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ
وَأُطِيعُ وَأُبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَأَسْتَسْلِمُ لِمَا قَضَاهُ ، رَغْبَةً فِي
طَاعَتِهِ وَخَوْفاً مِنْ عِقُوبَتِهِ ، لِإِنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرُهُ
وَلَا يُخَافُ جَوْرُهُ .

ما يَرْضَاهُ: آنچه مورد رضایت اوست
أَسْتَسْلِمُ: تسلیم هستم
قَضَا: حکم و فرمان
رَغْبَةً: رغبت - شوق و علاقه
طَاعَةً: فرمانبرداری
خَوْفاً: ترس
عِقُوبَت: عذاب - کیفر - مجازات
لِأَنَّهُ: زیرا که او
لَا يُؤْمِنُ: نیست در امان
مَكْرُهُ: حيله او
لَا يُخَافُ: نمی ترسد
جَوْرُهُ: ظلم او - ستم او

أَحْمَدُهُ: حمد می کنم او را
السَّرَّاءِ: خوشی و راحتی
الضَّرَّاءِ: درماندگی - گرفتاری
الشَّدَّة: سختی - شدت
الرَّخَاء: آرامش - رفاه
أُؤْمِنُ بِهِ: ایمان دارم به او
مَلَائِكَتُهُ: فرشتگان
كُتُبِهِ: کتابهای (آسمانی) اش
رُسُلُهُ: فرستادگان او
أَسْمَعُ: می شنوم
أُطِيعُ: اطاعت می کنم
أُبَادِرُ: مبادرت می کنم - می شتابم

حمد و ثناء الهی:

او را در راحتی و درماندگی و در سختی و آرامش شکرگزارم (و البته:
 از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید)
 و به او و فرشتگانش و کتابهای آسمانی او و فرستادگانش (که پیامبران
 بر حق هستند) ایمان دارم.
 فرمانش را (که در کتاب آسمانی موجود است) می شنوم و اطاعت
 می کنم و به سوی هر آنچه او را راضی می کند می شتابم و تسلیم حکم و
 فرمان او (و قضا و قدر او) هستم (با دو هدف، اول: به خاطر میل و
 اشتیاق نسبت به فرمانبرداری از او و (دوم) به خاطر ترس از عذاب
 (جهنّمش) چرا که او خدایی است که هیچ کس از تدبیر و مکر او در
 امان نیست و هیچ کس را ترسی از ظلم او نیست (و همه از ظلم و جور
 او در امانند زیرا او به بندگان خود هیچگونه ظلم و جوری روا نمی دارد
 و در واقع اصلاً صفت ظلم در او وجود ندارد).

وَأَقِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ ، وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ ، وَأُؤَدِّي
 مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيَّ ، حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا
 عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ .
 لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلَيٍّ
 فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ ، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى
 الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ .



صفت: خالص باشد - با صفا باشد	أَقِرُّ لَهُ: اقرار می کنم برای او
خلته: دوستی او	بِالْعُبُودِيَّةِ: به بندگی
قَدْ أَعْلَمَنِي: همانا مرا آگاه کرد	بِالرُّبُوبِيَّةِ: به خدایی - به پروردگاری
إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ: اگر ابلاغ نکنم	أُؤَدِّي: انجام می دهم - ادا می کنم
مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ: آنچه بر من نازل کرد	مَا أَوْحَى إِلَيَّ: آنچه را به من وحی کرد
فَمَا بَلَّغْتُ: ابلاغ نکردم - نرسانده ام	حَذَرًا: پرهیز کردن
رِسَالَتَهُ: رسالتش را (مأموریت او را)	مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ: از اینکه انجام ندهم
قَدْ ضَمِنَ لِي: قطعاً ضمانت کرده است	فَتَحِلَّ بِي: فرود می آید بر من
برای من - تضمین کرده است	قَارِعَةٌ: بلا - عذاب کوبنده
العِصْمَةُ: حفاظت و نگهداری	لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي: دفع نمی کند از من
الْكَافِي: کفایت کننده	إِنْ عَظُمَتْ: هر چند بزرگ باشد
الْكَرِيمُ: بزرگووار	حِيلَتُهُ: چاره و حيله او

ضرورت ابلاغ پیام و فرمان الهی:

و اقرار می‌کنم به بندگی او با تمام وجودم و شهادت می‌دهم به پروردگاری او (بر عالم هستی و اوست که عالم هستی را تدبیر می‌کند). و آنچه را به من وحی کرده است انجام می‌دهم از ترس آنکه انجام ندادنش باعث شود بلا و عذابی کوبیده از جانب او بر من فرود آید، که هیچ کس را توان دفع عذاب (الهی) نیست هر چند تدبیر و حیل‌های بزرگ نماید.

خود خداوند به من اعلام کرد که اگر آنچه را که به من نازل کرده است (به شما مردم) نرسانم، رسالتش را ابلاغ نکرده‌ام (و مأموریت خود را انجام نداده‌ام).

و خود او - که پاک و منزّه و بلند مرتبه است - محافظت از من را ضمانت کرده است و (ضمانت او برای من کافی است چرا که) او خدایی است کفایت‌کننده و بزرگوار.

(این عبارت نشان می‌دهد که مسأله ولایت که در غدیر خم توسط پیامبر مطرح شد وحی الهی بوده است نه تصمیم و نظر شخصی پیامبر ﷺ و خداوند ابلاغ ولایت حضرت علی علیه السلام را بر پیامبر واجب کرده بود و پیامبر نیز در مورد ابلاغ این امر مورد تهدید و جسارت عده‌ای بوده که خداوند وعده محافظت حضرت از شرّ آنان را داده‌اند).

فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ : ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلَيٍّ ، يَغْنِي فِي الْخِلَافَةِ
لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ
وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ .



فَأَوْحَىٰ إِلَيَّ: پس وحی کرد به من یا	وَأَنْ لَّمْ تَفْعَلْ: و اگر این کار را انجام
أَيُّهَا الرَّسُولُ: ای رسول خدا	ندهی
بَلِّغْ: برسان - ابلاغ کن	فَمَا بَلَّغْتَ: ابلاغ نکرده‌ای - نرسانده‌ای
مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ: آنچه از سوی	رِسَالَتَهُ: رسالت او را - (ماموریت
پروردگارت به تو نازل شده است	الهی را)
فِي عَلِيٍّ: در مورد علی علیه السلام	يُعْصِمُكَ: حفاظت می کند تو را
الْخِلَافَةِ: جانشینی	مِنَ النَّاسِ: از مردم

ضرورت ابلاغ فرمان ولایت:

پس (خداوند در خصوص ضرورت ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین) به من وحی فرمود:

بسم الله الرحمن الرحيم، ای پیامبر صلی الله علیه و آله آنچه را از جانب پروردگارت به تو نازل شده است به مردم ابلاغ کن یعنی درباره خلافت و جانشینی علی ابن ابی طالب علیه السلام.

و اگر چنین نکنی، رسالت و مأموریت الهی خود را به پایان نرسانی و (از شرّ فتنه‌جویان) نگران نباش (زیرا) خداوند تو را از شرّ مردم (منافق و دشمنان دین اسلام) حفظ خواهد کرد.

از این آیه استفاده می‌شود که

اولاً: موضوع خلافت و ولایت علی علیه السلام مانند سایر احکام و ضروریات دین، مستند به وحی الهی است.

ثانیاً: رساننده حکم الهی در این خصوص، خود رسول خداست نه شخص دیگر.

ثالثاً: وظیفه رسول خدا، ابلاغ حکم الهی است چه مردم بپذیرند چه نپذیرند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ ،
وَأَنَا أَبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ : إِنَّ جَبْرَائِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَاراً ثَلَاثاً
يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ
فَأُعَلِّمَ كُلَّ أَيْيُضَ وَأَسْوَدَ : أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي
عَلَى أُمَّتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي ، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى
إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي ، وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولُهُ.



مَعَاشِرَ النَّاسِ: ای جماعت - ای مردم	أَنْ أَقُومَ: که بایستم
مَا قَصَّرْتُ: کوتاهی نکردم	فِي هَذَا الْمَشْهَدِ: در این مکان
تَبْلِيغ: رساندن - ابلاغ کردن	فَأُعَلِّمَ: پس اعلام شود
أَبَيِّنُ: بیان می‌کنم	أَيْيُضَ: سفید
سَبَب: علت و دلیل	أَسْوَدَ: سیاه
نُزُول: فرود آمدن	أَخِي: برادر من
هَبَطَ: فرود آمد	وَصِيِّ: وصی من
إِلَيَّ: به سوی من	خَلِيفَتِي: جانشین من
مِرَاراً ثَلَاثاً: سه مرتبه	مَحَلُّهُ مِنِّي: جایگاه او نسبت به من
يَأْمُرُنِي: فرمان می‌دهد مرا	نَبِيَّ: پیامبر
عَنِ السَّلَامِ: از طرف سلام (در اینجا	هُوَ وَلِيُّكُمْ: او سرپرست شماست
سلام به عنوان یکی از نام‌های خداوند	
ذکر شده است)	

اعلام فرمان ولایت از جانب خدا به پیامبر ﷺ توسط حضرت جبرئیل علیه السلام:

ای مردم! من در رساندن آنچه خدا بر من نازل کرده است کوتاهی نکردم. و (البته) من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می‌کنم (تا هیچ شک و شبهه‌ای در آن نماند. حقیقت این است که) جبرئیل علیه السلام سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام، که تنها او سلام است، مرا مأمور کرد که بایستم در این محل و در حضور مردم اعلام کنم به تمام انسانها چه سیاه باشند و چه سفید، که علی بن ابیطالب علیه السلام برادر من و وصی من و جانشین من و امام بعد از من است.

اوست که منزلت و مقامش نسبت به من مانند منزلت و مقام هارون است نسبت به موسی علیه السلام با این تفاوت که بعد از من پیامبری نیست، و علی بن ابیطالب سرپرست شما بعد از خدا و رسول خداست.

وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً
 مِنْ كِتَابِهِ هِيَ: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ
 آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
 رَاكِعُونَ﴾ ، وَعَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ
 الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ .



قَدْ أَنْزَلَ: قطعاً فرو فرستاد	أَقَامَ الصَّلَاةَ: نماز را به پا داشت
بِذَلِكَ: به آن	آتَى الزَّكَاةَ: زکات (صدقه) داد
إِنَّمَا: فقط	راکع: رکوع کننده
وَلِيُّكُمْ: سرپرست شما	وَهُوَ رَاكِعٌ: در حالی که در رکوع بود
آمَنُوا: ایمان آورده اند	يُرِيدُ: می خواهد — توجه دارد
يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ: نماز را به پا می دارند	فِي كُلِّ حَالٍ: در هر حالی
يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ: زکات (صدقه) می دهند	
وَهُمْ رَاكِعُونَ: در حالی که در رکوع	
هستند	

توصیف حضرت علی علیه السلام در قرآن:

و خداوند تبارک و تعالی آیه‌ای از قرآن را درباره این موضوع (فضیلت علی علیه السلام) بر من نازل کرده است (همان آیه‌ای که فرموده:)

«همانا ولیّ و سرپرست شما فقط خدا و رسول خدا و کسانی هستند که ایمان آوردند و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند».

علی بن ابیطالب (همان کسی بود که) نماز را بر پای می‌داشت و در حالی که در رکوع بود صدقه داد (و انگشتی خود را به فقیر داد).

او در همه حال خدای عزّ و جلّ را در نظر داشت (و قصد او جز رضای او چیز دیگری نبود).

وَسَأَلْتُ جَبْرِيْلَ أَنْ يَسْتَغْفِرَ لِي السَّلَامَ عَنْ
تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقَلَّةِ
الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِذْغَالِ اللَّائِمِينَ وَحِيلِ
الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي
كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي
قُلُوبِهِمْ، وَيَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ،



سَأَلْتُ: در خواست کردم	الْمُسْتَهْزِئِينَ: مسخره کنندگان
أَنْ يَسْتَغْفِرَ لِي: که معاف بدارد مرا	وَصَفَهُمْ: توصیف کرد آنها را
مَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ: از ابلاغ این امر	بِأَنَّهُمْ: به اینکه ایشان
إِلَيْكُمْ: به شما	يَقُولُونَ: می گویند
بِعِلْمِي: به دلیل آگاهی من	بِأَلْسِنَتِهِمْ: با زبانهایشان
بِقَلَّةِ: به اندک بودن	مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ: چیزی که در
كَثْرَةِ: زیاد بودن	قلبهایشان (به آن باور) ندارند
إِذْغَالِ: دغل بازی - فساد انگیزی -	يَحْسَبُونَهُ: گمان می کنند آن
دسیسه کردن	هَيِّنًا: سبک - سهل و ساده
اللَّائِمِينَ: ملامت کنندگان	عِنْدَ اللَّهِ: نزد خدا
حِيلِ: حيله ها - نیرنگ ها	عَظِيمِ: بسیار بزرگ

کارشکنی‌های منافقین در مقابل فرمان ولایت:

ای مردم (زمانی که جبرئیل فرمان خداوند را مبنی بر اعلام جانشینی علی بن ابیطالب علیه السلام را به من ابلاغ نمود) از جبرئیل درخواست کردم از خداوند بخواهد که مرا از رساندن این پیام به مردم معاف بدارد، زیرا از کمی تعداد متّقین و زیادی تعداد منافقین و فساد و فتنه‌انگیزی سرزنش کنندگان و حيله‌های مسخره‌کنندگان اطلاع دارم (و به خاطر وجود این افراد و شرایط خاصی که بر جامعه حاکم است از طرح این مسأله مهم پرهیز می‌کردم. و می‌دانستم که گناهکاران فساد و خیانت می‌کنند و مسخره کنندگان اسلام، نیرنگ و فتنه می‌کنند و خلافت و ولایت علی علیه السلام را نمی‌پذیرند و آن را از مسیر اصلی خود منحرف می‌سازند) همان کسانی که خدای تعالی در کتابش چنین توصیفشان کرد: «آنان با زبانهایشان آنچه را که در دلهایشان نیست می‌گویند و آن را کوچک می‌شمارند در حالی که آن نزد خدا، مسئله بزرگ است».

وَكثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ ، حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا
 وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكُ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي
 عَلَيْهِ وَهَوَاهُ وَقَبُولِهِ مِنِّي ، حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ
 وَجَلَّ فِي ذَلِكَ : ﴿ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ
 هُوَ أَذُنٌ ، قُلْ أَذُنٌ - عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أَذُنٌ - خَيْرٌ لَّكُمْ ،
 يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ
 وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾ .

کثرة: زیاد بودن	اقبال علیّه: توجه و اقبال من به او
أذاهم لی: اذیت کردند آنها مرا	حتى أنزل: تا اینکه نازل کرد
غیر مرّة: نه یک بار	منهم: از آنها (منافقین)
سمونی: نامیدند مرا	یؤذون النبی: پیامبر را اذیت می کنند
أذنا: زود باور - گوش دهنده بر هر	یقولون: می گویند
حرفی	یزعمون: گمان می کنند
زعموا: گمان کردند	أنه أذن: که او زود باور است
أنی کذلک: من اینچنین هستم	یؤمن بالله: به خدا ایمان دارد
لکثرة: به خاطر زیاد بودن	یؤمن للمؤمنین: تصدیق می کند
ملازمته: همراهی و همنشینی او با من	مؤمنین را و اعتماد می کند
ایای: مرا - با من	

آزار و اذیت‌های منافقین به پیامبر، به خاطر رابطه صمیمی با علی علیه السلام:

(سپس رسول اکرم سخنان خود را چنین ادامه دادند: و همچنین یکی دیگر از علل تقاضای معاف شدن از ابلاغ این امر مهم آن است که) منافقین بارها مرا اذیت کردند تا جایی که مرا اُذُن نامیدند (به این معنی که به هر سخنی گوش می‌دهم و فردی زود باور هستم) و گمان کردند که من چنین هستم به دلیل همنشینی زیاد علی علیه السلام با من و توجّه زیاد من به او.

تا جایی که خدای عزّ و جلّ در این موضوع این آیه را نازل کرد: «و از آن (منافقان) کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند: رسول خدا فردی خوش‌باور است. ای پیامبر، به کسانی که گمان می‌کنند تو انسانی خوش‌باور هستی بگو خوش‌باور بودن پیامبر به نفع شماست چون او به خدا ایمان دارد و به مؤمنین اعتماد می‌نماید و (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) برای کسانی از شما که ایمان آورند رحمت است و برای کسانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را اذیت کنند عذابی دردناک است.»

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ ، وَأَنْ أُوَمِّيَ إِلَيْهِمْ
بِأَعْيَانِهِمْ لَأُوَمَّاتُ ، وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ
قَدْ تَكَرَّمْتُ . وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أَبْلُغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيِّ ، ﴿ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ -
فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ
يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ﴾ .



لَكِنِّي: لكن من	لَوْ شِئْتُ: اگر می خواستم
فِي أُمُورِهِمْ: در مورد آنها	أَنْ أُسَمِّيَ: که نام ببرم
تَكَرَّمْتُ: بزرگواری کردم	بِأَسْمَائِهِمْ: اسمهایشان را
لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي: راضی نمی کند خدا	لَسَمَّيْتُ: مسلماً نام می برم
را از من	أَنْ أُوَمِّيَ: اینکه اشاره کنم
إِلَّا أَنْ أَبْلُغَ: مگر اینکه برسانم - ابلاغ	بِأَعْيَانِهِمْ: به شخص آنها - به خود آنها
کنم	لَأُوَمَّاتُ: قطعاً اشاره کردم
مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ: آنچه را که خداوند	أَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ: اینکه نشان دهم آنها را
بر من نازل کرده	لَدَلْتُ: حتماً نشان دادم

دستور اکید خداوند جهت ابلاغ فرمان ولایت علی علیه السلام با وجود کارشکنی ها و مخالفت های منافقین:

و اگر می خواستم نام آنها را (که مرا اُذُن نامیدند) ببرم، نام می بردم و (اگر می خواستم) اشاره کنم به شخص آنها، حتماً اشاره می کردم و (اگر می خواستم) آنها را نشان دهم حتماً نشان می دادم، اما به خدا قسم، من در کار آنها (و در برخورد با آنها) بزرگواری کردم. (و رسوایشان نکردم. اما با وجود همه این مقدمات و توصیفات) هیچ کدام از اینها (که گفتم) خدا را از من راضی نمی کند مگر اینکه آنچه را (در خصوص ولایت و جانشینی علی علیه السلام) بر من نازل کرده است ابلاغ کنم.

سپس پیامبر اسلام این آیه را تلاوت کرد: «ای پیامبر! آنچه را که از طرف پروردگارت - در حق علی علیه السلام - بر تو نازل شده است (به مردم) ابلاغ کن و اگر (این دستورم را) انجام ندهی تبلیغ رسالت نکرده ای (و آن را به اتمام نرسانده ای و در انجام این امر ترسی به خود راه مده زیرا) خداوند تو را از (شر) مردم حفظ خواهد کرد.» (جمله والله یعصمک من الناس نشان می دهد که پیامبر اکرم احتمال می داده مردم، سخنش را مبنی بر ولایت علی بن ابیطالب را نپذیرند و بر او شورش کنند).

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ ذَلِكَ فِيهِ وَأَفْهَمُوهُ ، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ
وَلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ
لَهُمْ بِإِحْسَانٍ ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ ،
وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ ،
وَعَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ ، جَازٍ قَوْلُهُ ، نَافِذُ أَمْرُهُ ، مُلْعُونٌ مَنْ
خَالَفَهُ ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ .

الأسود: سیاه

عَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ: بر هر یکتاپرست
مَاضٍ حُكْمُهُ: حکمش اجرا شونده
است

نَافِذُ أَمْرُهُ: فرمان او مطاع است
جَازٍ قَوْلُهُ: سخن او مورد عمل است
مُلْعُونٌ: دور از رحمت خداست
مَنْ خَالَفَهُ: کسی که با او مخالفت کند
مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ: کسی که از او پیروی
کند مورد رحمت خداست
مَنْ صَدَّقَهُ: کسی که او را تصدیق کند
فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ: پس یقیناً خداوند او را
آمرزیده است
مَنْ سَمِعَ مِنْهُ: کسی که حرف او را
گوش کند
أَطَاعَ لَهُ: از او اطاعت کند

فَاعْلَمُوا: پس بدانید

وأفهموه: و بفهمید آن را
نَصَبَهُ: منصوب کرد او را
وَلِيًّا: سرپرست

فَرَضَ: واجب کرد
مُقْتَرَضًا: واجب است
طَاعَتَهُ: فرمانبرداری او
عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ: بر گروه
مهاجرین و انصار
و عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ: و پیروان آنها
البادي: بادیه نشین — روستایی
الحاضر: شهری
الاعجمي: مردمان غیر عرب
الحُرّ: آزاد
المملوك: برده
الابيض: سفید

وجوب اطاعت از علی علیه السلام بر همه انسانها:

(پیامبر اکرم پس از ذکر آیه «ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین» فرمود: ای مردم! بدانید که این آیه در مورد اوست پس آن را بفهمید و بدانید که قطعاً خداوند علی بن ابیطالب را به عنوان سرپرست و امام منصوب کرده که اطاعت از او بر مهاجرین و انصار و پیروان آنها، که راه نیکویی را می‌پیمایند، واجب است. و بر (هر) روستایی و شهری و (هر) غیر عرب و عرب و (هر) انسان آزاد و برده و (هر) کوچک و بزرگ و (هر) سفید و سیاه و بر هر انسان یکتاپرست، حکم او لازم الاجراء و فرمانش نافذ است.

(بنابراین مسأله امامت در اسلام مانند رسالت و نبوت است. پس همچنانکه رسول خدا پیامبر همه مردم بود جانشین او نیز امام بر همه مردم است و همه مردم باید مطیع فرامین او باشند).

عاقبت مخالفان و پیروان علی علیه السلام:

هر کس با علی علیه السلام مخالفت کند ملعون (و از رحمت خدا به دور است) و هر کس از او پیروی کند و او را تأیید و تصدیق کند، مورد رحمت (خدا) واقع می‌شود پس خداوند او را و هر کس را که گوش به فرمان او و مطیع وی باشد می‌آمرزد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقَوْمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ ، فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا
وَأَنْقَادُوا لِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَاللَّهُكُمْ ، ثُمَّ
مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ
وَأِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ . لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَهُمْ ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَ اللَّهُ
عَلَيْكُمْ وَرَسُولُهُ وَهُمْ ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَرَفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ
بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ .

آخر مقام: آخرین جایگاه و محل	المُخَاطَبُ: کسی که سخن می گوید
ایستادن	بِأَمْرِ اللَّهِ: به فرمان خداوند
أَقَوْمُهُ: می ایستم در آن	ذُرِّيَّتِي: نسل من
فِي هَذَا الْمَشْهَدِ: در این مکان و محل	مِنْ وَلَدِهِ: از فرزندان او
حضور	تَلْقَوْنَ: ملاقات می کنید
فَاسْمَعُوا: پس گوش کنید	أَحَلَّهُ: حلال کرد آن را
أَطِيعُوا: اطاعت کنید	حَرَّمَهُ: حرام کرد آن را
وَأَنْقَادُوا: و تسلیم باشید	عَرَفَنِي: یاد داد به من — شناساند به من
مَوْلَاكُمْ: سرپرست شما	أَفْضَيْتُ: رساندم — گفتم
اللَّهُكُمْ: معبود شما	مَا عَلَّمَنِي: آنچه که به من یاد داد
مِنْ دُونِهِ: غیر از او — بعد از او	
الْقَائِمِ: کسی که ایستاده	

تأکید پیامبر ﷺ در خصوص اطاعت از علی علیه السلام:

ای مردم! (چیزی از عمر من باقی نمانده و) این آخرین جایگاهی است که در حضور (شما مردم) می‌ایستم، پس (سخنان مرا) بشنوید و اطاعت کنید و مطیع فرمان پروردگارتان باشید، زیرا خدای «عزّ و جلّ» است که مولای شما و خدای شماست، و سپس بعد از او، فرستاده‌اش محمد ﷺ سرپرست و ولیّ امر شماست (که هم اکنون روبروی شما) ایستاده و شما را مورد خطاب قرار داده و با شما سخن می‌گوید، سپس بعد از من علی علیه السلام سرپرست و امام شماست. (و این امر مهم) به دستور خداوندی است که پروردگار شماست. سپس امامت در نسل من که از فرزندان علی علیه السلام هستند تا روز قیامت که خدا و پیامبرش را ملاقات می‌کنید ادامه دارد (پس امامت و جانشینی پیامبر اسلام توسط علی علیه السلام و اولادش علیهم السلام تا قیامت ادامه دارد و روی زمین در هیچ زمانی از آنها خالی نخواهد بود). (سپس پیامبر اکرم ادامه داد:) هیچ حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان علیهم السلام) حلال کرده‌اند و هیچ حرامی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان (امامان علیهم السلام) حرام کرده‌اند. خداوند عزّ و جلّ تمامی حلال و حرام را به من شناسانده است و من آنچه را پروردگارم از قرآن و حلال و حرامش به من آموخته است به علی علیه السلام سپرده‌ام (پس بعد از من به او رجوع کنید و سؤالات خود را از او بپرسید).

درس نوزدهم ویژگیهای خاص حضرت علی (علیه السلام) از زبان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، فَضَّلُوهُ . مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ ،
وَكُلُّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا
وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا ، وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ
يُس : ﴿وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، لَا تَضِلُّوا عَنْهُ
وَلَا تَنْفَرُوا مِنْهُ ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا عَنْ وَلَايَتِهِ ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
وَيَعْمَلُ بِهِ ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهِي عَنْهُ ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ .



فَضَّلُوهُ: برتر بشمارید او را	مِنْ وَلَايَتِهِ: از سرپرستی و ولایت او
مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا: هیچ علمی نیست مگر	فَهُوَ الَّذِي: پس اوست کسی که
أَحْصَاهُ: ضبط کرد - جمع کرد آن را	يَهْدِي: راهنمایی می کند
فِي: در من	يَعْمَلُ بِهِ: عمل می کند به آن
عَلَّمْتُ: یاد گرفتم - آموختم	يُزْهِقُ: سرکوب می کند - از بین
فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ: پس قطعاً جمع نمودم	می برد - نابود و ریشه کن می کند
إِمَامُ الْمُتَّقِينَ: پیشوای پرهیزکاران	يَنْهِي عَنْهُ: نهی می کند از آن
عَلَّمْتُهُ: یاد دادم آن را	لَا تَأْخُذْهُ: باز نمی دارد او را - مانع
الْمُبِينُ: آشکار کننده - روشنگر	نمی شود او را
لَا تَضِلُّوا عَنْهُ: از راه او گمراه نشوید	فِي اللَّهِ: در راه خدا
لَا تَنْفَرُوا مِنْهُ: از او روی گردان نشوید	لَوْمَةٌ: سرزنش
لَا تَسْتَنْكِفُوا: سرپیچی نکنید	لَائِمٌ: سرزنش کننده

سفارشات اکید پیامبر ﷺ به مسلمان، در خصوص علی علیه السلام:

ای مردم، علی علیه السلام را برتر از همگان بدانید، هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آن را در من ثبت و ضبط کرده است و همه علم الهی در من جمع شده است و من هم هر علمی را که آموخته‌ام در امام متّقین، علی علیه السلام ثبت و ضبط کرده‌ام.

و هیچ علمی نیست مگر آنکه آن را به علی یاد دادم و او امامی است آشکار کننده (علوم) و چنان که خداوند در سوره یاسین ذکر نموده است: «و هر چیزی را در امام مبین جمع کرده‌ایم»

ای مردم! از (راه) علی همراه نشوید و از او روی نگردانید و از پذیرش ولایت او سرپیچی نکنید (که خودداری از ولایت علی علیه السلام عین گمراهی و مساوی با تباهی همه اعمال است). چرا که اوست که به سوی حق هدایت می‌کند و به آن عمل می‌کند و باطل را سرکوب می‌کند و از (گرویدن به سوی) آن نهی می‌کند. و ملامت سرزنش کنندگان او را از (راه) خدا باز نمی‌دارد. (زیرا در اجرای عدالت جز به خدا نمی‌اندیشد و هدف او فقط جلب خشنودی خداست نه رضای مخلوق و از هرگونه نسبت ناروا در راه حق باکی ندارد).

أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ، لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى
 الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ ، وَالَّذِي قَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ ،
 وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ
 رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ . أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً
 وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ . أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ
 فِي مَضْجَعِي ، فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ .



آمن: ایمان آورد	أَوَّلُ مَنْ: اولین کسی است
لم يسبقه: سبقت نگرفت از او	عبد الله: پرستش کرد خدا را - عبادت
بی: به من	خدا را
هو الذي: او کسی است که	معی: همراه من
قدی: فدا کرد	أمرته: امر کردم به او
بنفسه: خودش را - جانش را	عن الله: از سوی خدا
كان: بود	أن ينام: که بخوابد
مع: همراه	مضجعی: خوابگاه من - بستر خوابم
ولا أحد: و هیچ کسی نیست	ففعّل: پس انجام داد
يعبد: می پرستد	فادياً لی: فدا کننده برای من
من الرجال: از مردان	
أول الناس: اولین نفر از مردم	

توصیف فضائل حضرت علی علیه السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله:

علی علیه السلام اولین کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچ کس در ایمان آوردن به من، بر او سبقت نگرفت.

و اوست که جانش را فدای رسول خدا کرد. (آن زمان که در لیلۃ المبیت و در آغاز هجرت در بستر من و به جای من خوابید و جان خود را به خطر انداخت تا من به دور از چشم مشرکین از مکه خارج شوم و به سوی مدینه هجرت کنم).

و او کسی است که (در ابتدای بعثت) با رسول خدا بود در حالی که هیچ کس از مردان، غیر از او همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله، خدا را عبادت نمی کرد. او نخستین نمازگزار و اولین کسی است که با من، خدا را عبادت نموده است.

و من از طرف خداوند به او امر کردم تا در خوابگاه من بخوابد و نیز با فداکردن جانش برای من این فرمان الهی را انجام داد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، فَضَّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَهُ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَاباً نُكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ . فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ ، فَتَصْلُونَا نَاراً وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ .



فَضَّلُوهُ: او را برتر بدانید	نُكْرًا: شدید - سخت
فَقَدْ فَضَّلَهُ: پس قطعاً برتر دانسته او را	أَبَدَ الْأَبَادِ: همیشه - ابدی
أَقْبَلُوهُ: به او روی آورید	دَهْرَ الدُّهُورِ: همه روزگاران
فَقَدْ نَصَبَهُ: پس مسلماً او را (خداوند)	فَاحْذَرُوا: پس دوری کنید - بر حذر
منصوب کرده است	باشید
لَنْ يَتُوبَ: هرگز توبه‌اش را نمی‌پذیرد	أَنْ تُخَالِفُوهُ: اینکه با او مخالفت کنید
أَنْكَرَ: انکار کرد - نپذیرفت	فَتَصْلُونَا: که داخل می‌شوید
لَنْ يَغْفِرَ: نمی‌آمرزد	نار: آتش
أَنْ يَفْعَلَ: که انجام دهد	وَقُودَهَا: هیزم آن - مواد سوختی آن
بِمَنْ: برای کسی که	الْحِجَارَةُ: سنگها
خَالَفَ: مخالفت کند	أُعِدَّتْ: آماده شد
أَنْ يُعَذِّبَهُ: که عذاب کند	

توصیه‌های اکید پیامبر ﷺ در خصوص پذیرش ولایت علی علیه السلام و عواقب دردناک مخالفت با ولایت او:

ای مردم! او را فضیلت دهید و برتر بشمارید که خدا او را فضیلت داده است و برتر از همه می‌داند و به او روی آورید (و ولایت او را قبول کنید زیرا) یقیناً خداوند او را (به ولایت و سرپرستی مسلمین) منصوب کرده است.

ای مردم! او امامی است از جانب خدا، و هر کس ولایت او را انکار کند خداوند هرگز توبه‌اش را نمی‌پذیرد و او را نمی‌بخشد (زیرا انکار ولایت مساوی است با انکار نبوت حضرت رسول و انکار نبوت نیز مساوی با کفر است. پس آیا می‌شود توبه چنین کسی پذیرفته شود؟).

بر خداوند واجب است که این وعده را درباره کسی که امر خدا را در مورد (ولایت) علی مخالفت کند انجام دهد و اینکه او را برای همیشه و تا دنیا دنیااست و روزگار پابرجاست عذابی شدید کند.

پس بترسید از اینکه با علی مخالفت کنید تا (مبادا) وارد آتشی شوید که هیزم آن انسانها و سنگها هستند و (این آتش) برای کافران آماده شده است. (پس برحذر باشید که عاقبت مخالفت و انکار ولایت علی علیه السلام آتش جهنم و سوختن در آتش خشم الهی است).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، بِي - وَاللّٰهُ - بَشَّرَ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ،
وَأَنَا - وَاللّٰهُ - خَاتَمَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ ، وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ
أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ . فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كَفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ
الْأُولَى ، وَمَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ ،
وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأُتَمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ ، وَالشَّكُّ فِينَا فِي النَّارِ .
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، حَبَانِي اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ مَنَّا مِنْهُ عَلَيَّ
وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنِّي أَبَدَ الْأَبْدِينَ
وَدَهَرَ الدَّاهِرِينَ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ .

فِي الْكُلِّ مِنْهُ: در همه آن

الشَّكُّ: شک کننده

فَلَهُ النَّارُ: برای اوست آتش

حَبَانِي: عطا کرده است به من

بهذه: این را

مَنَّا: نعمتی - نعمت گرانبها

عَلَيَّ: بر من

مَنِّي: از طرف من

أَبَدَ الْأَبْدِينَ: تا ابد - همه زمانها

دَهَرَ الدَّاهِرِينَ: در تمام روزگاران

بی: به من - در مورد من

بَشَّرَ: بشارت داد

الْمُرْسَلِينَ: فرستادگان - پیامبران

خَاتَمَ: آخرین

الْحُجَّةُ: دلیل - راهنما

فَمَنْ شَكَّ: پس هر کس شک کند

فهو: پس او

الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى: جاهلیت قبل از اسلام

مِنْ قَوْلِي هَذَا: از این سخن من

فَقَدْ شَكَّ: پس قطعاً شک کرد

تداوم رسالت پیامبر اسلام ﷺ به وسیله امامت ائمه (علیهم السلام):

ای مردم! به خدا قسم پیامبران پیشین و فرستادگان الهی بشارت (آمدن) مرا داده‌اند. و من به خدا قسم خاتم پیامبران و فرستادگان الهی و حجت (خدا) بر همه آفریده‌ها چه از اهل آسمانها و چه از اهل زمین هستم (و این دلیلی است بر افضلیت من بر تمامی مخلوقات) پس هر کس در این حقیقت تردید کند مانند کافران زمان جاهلیت خواهد بود (زیرا اگر انسان خدا را قبول داشته باشد نمی‌تواند پیامبرش را قبول نکند پس انکار نبوت مساوی است با کفر به خدا).

و هر کس در بخشی از این سخنان من شک کند قطعاً در کل آنچه بر من نازل شده است شک کرده است و کسی که به یکی از امامان علیهم السلام شک کند به همه آنان شک نموده است و شک کننده درباره ما در آتش است (پس آنچه را در مورد امامت و ولایت علی علیه السلام و فرزندان او می‌گویم، در حقیقت خداوند به شما می‌گوید، زیرا گفتار من مستند به وحی است. پس شک در ولایت علی علیه السلام و فرزندان او، شک در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله است و چنین کسی مستحق آتش همیشگی است).

ای مردم! خداوند این فضیلت را به عنوان نعمت و عطیه‌ای از طرف خودش بر من ارزانی داشته است و جز او خدایی نیست، او را تا ابد و تا دنیا دنیاست در همه حال ستایش می‌کنم. (و اگر تا آخر عمر دنیا زنده باشم دست از حمد و ستایش الهی برنمی‌دارم و در برابر او تسلیم و راضی هستم).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، فَضَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى
مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ . مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ
عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ . أَلَا إِنَّ جَبْرِئِلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ
وَيَقُولُ : « مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي » ، ﴿ وَلَتَنْتَظُرُ
نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا

- إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴾ .

مَنْ عَادَى: هر کس دشمن بدارد	أَفْضَلُ النَّاسِ: برترین مردم
لَمْ يَتَوَلَّهُ: ولایت او را نپذیرد	ذَكَرٌ وَأُنْثَى: مرد و زن
فَعَلَيْهِ: پس بر اوست	بَقِيَ: باقی است
لَعْنَتِي: لعنت من	الْخَلْقُ: آفرینش
غَضَبِي: خشم من - غضب من	مَلْعُونٌ: دور از رحمت است
فَلَتَنْتَظُرُ: پس باید بنگرد و ببیند	مَغْضُوبٌ: مورد غضب است
مَا قَدَّمَتْ: آنچه پیش فرستاده	مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي: کسی که سخن مرا رد کند و مردود بداند - کسی که حرف مرا قبول نکند
لِغَدٍ (ل + غَد): برای فردا	لَمْ يُوَافِقْهُ: با آن موافق نباشد
اتَّقُوا اللَّهَ: بپرهیزد از مخالفت امر خدا	أَلَا: آگاه باشید
أَنْ تُخَالِفُوهُ: از اینکه مخالفت کنید با او	خَبَرَنِي: خبر داد مرا
فَتَزِلَّ: پس بلغزد	بِذَلِكَ: به آن (مطلب)
بَعْدَ ثُبُوتِهَا: بعد از ثابت بودن آن	يَقُولُ: می‌گوید
خَبِيرٌ: بسیار آگاه - آگاه دقیق	
بِمَا تَعْمَلُونَ: به آنچه انجام می‌دهید	

با فضیلت‌ترین شخصیت تاریخ بشریت بعد از پیامبر اسلام ﷺ:

ای مردم! علی را بر (دیگران) برتری دهید چرا که او بعد از من برترین مردم از میان زنان و مردان است. (و این یک حکم عقلی است زیرا وقتی انسان جامع تمامی کمالات و فضایل انسانی است قهراً باید بر دیگران مقدم باشد و قطعاً هست. و به راستی چرا علی بعد از رسول خدا افضل خلق نباشد در صورتی که او جان رسول خداست؟ پس حال که رسول خدا افضل مردم است، جان او «علی» هم از دیگران افضل است و این برتری ادامه دارد) تا زمانی که خداوند رزق و روزی را نازل می‌کند و آفرینش خدا ادامه دارد.

هشدار پیامبر ﷺ و حضرت جبرئیل علیه السلام به مخالفان و دشمنان علی علیه السلام:

کسی که این سخن مرا (درباره ولایت علی) نپذیرد و با آن موافق نباشد قطعاً ملعون (و دور از رحمت خدا) و مورد خشم و غضب خداست. آگاه باشید که جبرئیل این خبر را از جانب خدای متعال به من داده است و فرموده است: هر کس علی علیه السلام را دشمن بدارد و او را مولا و صاحب اختیار خود نداند پس لعنت و خشم من بر او باد. پس هر کس باید بیندیشد و نظاره کند که (چه عقیده‌ای و) چه چیزی برای آخرت خود پیش می‌فرستد.

(ای مردم) بترسید از خدا از اینکه با علی علیه السلام مخالفت کنید تا (مبادا) قدمهائتان بعد از پایداری و محکم شدن (ایمانتان) بلغزد. (زیرا مخالفت با علی، زیر پا گذاشتن اصل ایمان است) و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذَكَرَ فِي
كِتَابِهِ الْعَزِيزِ ، فَقَالَ تَعَالَى مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ :
﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي
جَنْبِ اللَّهِ﴾ .



«آنه جنب الله» -
علی علیه السلام جنب الله است،
پیامبر صلی الله علیه و آله در این بیان نورانی
اشاره دارد به اینکه علی علیه السلام در اثر
شدت ارتباط با خدا، نزدیکترین
شخص به خداست و در پهلوی
خدا از «مقام قرب» خاصی
برخوردار است و لذا خداوند به
خاطر این ارتباط بسیار نزدیک
علی علیه السلام با خدا، سرپرستی و
اختیارات و امورات همه مخلوقات و
عالم هستی را تحت ولایت او قرار
می دهد).

مَعَاشِرَ النَّاسِ: ای گروه مردم
آنه: همانا او
الذی: کسی که
ذکر: یاد نمود - یاد نمود
کتابه العزیز: کتاب عزیزش - کتاب
ارجمندش - (قرآن مجید)
فَقَالَ: پس گفت
أَنْ تَقُولَ: اینکه بگوید
یا حَسْرَتی: ای افسوس
ما فَرَّطْتُ: آنچه کوتاهی کردم
فِي جَنْبِ اللَّهِ: در کنار خداست - از
ناحیه خداست
جنب: پهلو - کنار - ناحیه

حسرت و پشیمانی دردناک برای کوتاهی کنندگان در ولایت علی علیه السلام:

ای مردم! علی علیه السلام جنب الله است (یعنی علی علیه السلام)، در اثر شدت ارتباط با خدا از «مقام قرب» خاصی در پیشگاه برخوردار بوده و مورد توجه خاص خدا و شخصیت مقرب برای خداست و بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مقرب‌ترین شخص به خداست و بنابراین خداوند امورات خود را به او سپرده و تفویض امر نموده است) همانطور که خداوند هم در کتاب عزیزش «قرآن» به این حقیقت اشاره نموده و درباره کسی که با علی علیه السلام مخالفت کرده و در قیامت به شدت پشیمان شده، چنین فرموده است: ای افسوس بر من، که از (اطاعت) آن (فرمانی) که از جانب خدا و (حق) بود کوتاهی کردم.

(یعنی از پذیرفتن و حمایت از ولایت بر حق امیرالمؤمنین، که فرمان خدا بود کوتاهی کردم آنچنان کوتاهی، که دیگر جبران‌ناپذیر و موجب حسرت شدید است).

(در روایات می‌خوانیم: امامان معصوم علیهم السلام «جنب الله» هستند و در بیش از ده حدیث آمده که کوتاهی در مورد «جنب الله» حمایت نکردن از امیرالمؤمنین علی علیه السلام است).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ ،
وَأَنْظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ ، فَإِنَّ اللَّهَ
لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ
إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَمُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَشَائِلُ
بَعْضِهِ وَرَافِعُهُ بِيَدِي وَمُعْلِمُكُمْ : أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ
فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ ، وَهُوَ عَلَيَّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي
وَوَصِيِّي ، وَمَوَالَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ .

تَدَبَّرُوا: تدبّر کنید - ببیندیشید
افْهَمُوا: بفهمید
أَنْظُرُوا: نگاه کنید - با دقت بنگرید
مُحْكَمَاتِهِ: محکمات آن
لَا تَتَّبِعُوا: دنبال نکنید
مُتَشَابِهَهُ: آیات متشابه آن
فَوَاللَّهِ: پس به خدا قسم
لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ: روشن نمی کند برای شما
زَوَاجِرَهُ: بطون آن - باطن های آن
لَنْ يُوضِّحَ: هرگز واضح نمی کند
تَفْسِيرَهُ: تفسیر آن را
إِلَّا الَّذِي: مگر کسی که

أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ: من دست او را گرفته ام
مُصْعِدَهُ إِلَيَّ: به سوی خود بالا می برم
شَائِلُ بَعْضِهِ: بازوی او را بلند می کنم
رافعه بیدی: با دستم او را بالا می برم
مُعْلِمُكُمْ: اعلام می کنم به شما
مَنْ كُنْتُ: هر کس من هستم
مَوْلَاهُ: مولای او - سرپرست او
فَهَذَا عَلَيَّ: پس این علی است
مَوَالَاتُهُ: ولایت او
مِنْ اللَّهِ: از طرف خدا
أَنْزَلَهَا عَلَيَّ: آن را بر من فرو فرستاد

وظیفه مردم در خصوص قرآن:

ای مردم! در قرآن اندیشه و تدبر کنید و آیات آن را بفهمید (تا فضایل علی و ولایت او را از آیات الهی دریافت کنید) به محکومات آن توجه کنید (و آن را مورد تکیه و اعتماد خود قرار دهید) و آیات متشابه آن را دنبال نکنید، (چرا که آیات متشابه را باید در کنار آیات محکم و با توجه به آنها تفسیر کرد پس در حالی که رسول اکرم دستان علی را گرفته بود و بالا آورده بود با صدایی رسا فرمود):

معرفی حضرت علی علیه السلام از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان مفسر قرآن:

به خدا قسم (هیچکس) باطن قرآن را آشکار نمی‌کند و تفسیر آن را بیان نمی‌کند مگر کسی که من دست او را گرفته‌ام و او را به سوی خود بالا می‌آوردم - و بازویش را بلند نمودم و با دستانم او را بالا آوردم (بنابراین بعد از رحلت من، تفسیر قرآن را فقط از علی بخواهید زیرا «انا مدینه العلم و علی بابها»: من شهر علمم و علی دروازه آن شهر است. وارد شدن به شهر علم جز از طریق دروازه آن ممکن نیست).

تعیین ولایت علی علیه السلام بر مسلمین، از جانب خداوند:

و به شما اعلام می‌کنم که هر کس من مولا و صاحب اختیار او هستم، پس (از من) این علی سرپرست و صاحب اختیار اوست و او علی پسر ابیطالب، برادر و جانشین من است زیرا ولایت او از جانب خدای بلند مرتبه بر من وحی گردیده است (نه آنکه من از جانب خودم و به خاطر خویشاوندی‌ام با او، ولایت امر مسلمین را به او سپرده باشم).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّ عَلَيَّ وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وَلَدِي
 مِنْ صُلَيْهِ هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ
 الْأَكْبَرُ ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنْ صَاحِبِهِ
 وَمُوَافِقٌ لَهُ ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ .
 أَلَا إِنَّهُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ .



مَعَاشِرَ النَّاسِ: ای مردم	لَنْ يَفْتَرِقَا: جدا نمی شوند
الطَّيِّبِينَ: پاکان	حَتَّى يَرِدَا: تا اینکه وارد شوند
مِنْ وَلَدِي: از فرزندان من	عَلَيَّ: بر من
الثَّقَلُ: شیء نفیس و سنگین	الْحَوْضُ: حوض کوثر
فَكُلُّ وَاحِدٍ: پس هر کدام	أَمَنَاءُ: امین ها
مُنْبِئٌ: خبر دهنده	فِي خَلْقِهِ: در (بین) بندگان
مِنْ صَاحِبِهِ: از همراه خود	حُكَّامُ: حاکمان — فرمانروایان
مُوَافِقٌ لَهُ: موافق اوست	

قرآن و عترت دو امانت بسیار مهم در میان مسلمین:

ای مردم! همانا علی و پاکان از فرزندان من از نسل او، امانت ارزشمند و بزرگ، و کتاب قرآن، امانت گرانقدر و بزرگ‌تر است. پس هر کدام از این دو از دیگری خبر می‌دهد (و همدیگر را تأیید می‌کند) و موافق با یکدیگر است و از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا (روز قیامت) در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

ایشان (اهل بیت من) امین‌های خداوند در میان بندگان او و حاکمان و فرمانروایان او بر روی زمین هستند (و ولایت خدا بر زمین با وجود آنها امکان‌پذیر است).

أَلَا وَقَدْ أَذِّبْتُ ، أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ ، أَلَا
 وَقَدْ أَسْمَعْتُ ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَحْتُ . أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ
 عَزَّ وَجَلَّ قَالَ ، وَأَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ .
 أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا .
 أَلَا لَا تَحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ .



أَنَا قُلْتُ: من گفتم	أَلَا: آگاه باشید
أَخِي: برادرم	أَذِّبْتُ: ادا کردم - انجام دادم
لَا تَحِلُّ: حلال نیست	بَلَّغْتُ: رساندم - ابلاغ کردم
إِمْرَةً: ولایت - سرپرستی	أَسْمَعْتُ: به گوش شما رساندم
بَعْدِي: بعد از من	أَوْضَحْتُ: آشکار نمودم - واضح
لِلْأَحَدِ: برای کسی	نمودم - روشن کردم
	قال: گفت

مهمترین رسالت و مأموریت پیامبر ﷺ:

آگاه باشید که البته من (رسالت خود را) ادا کردم.
 آگاه باشید که (پیام خدا را به شما) ابلاغ نمودم.
 آگاه باشید که (پیام خدا را) به گوش شما رساندم.
 آگاه باشید که (حقیقت را برایتان) آشکار کردم.

تعیین لقب امیرالمؤمنین از جانب خدا و پیامبر ﷺ:

آگاه باشید که خداوند فرموده و من نیز از طرف او می‌گویم:
 بدانید که قطعاً و مسلماً جز برادرم علی علیه السلام، کسی امیرالمؤمنین نیست (و
 لقب امیرالمؤمنین فقط مختص اوست و جز او کسی را به این صفت
 نخوانید).
 آگاه باشید ولایت و سرپرستی مؤمنین بعد از من برای احدی غیر از او
 جائز نیست.

ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟

قالوا: اللهَ وَرَسُولُهُ. فَقَالَ:

أَلَا فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ

وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ

وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.



من اولی بکم من انفسکم: چه کسی از	وال: دوست بدار
خود شما به شما صاحب اختیارتر است	من والاه: کسی که ولایت او را بپذیرد
ألا: آگاه باشید - هوشیار باشید	عاد: دشمن بدار
فمن کنت: پس کسی را که باشم	عاداه: دشمنی کند با او
مولاه: مولایش - صاحب اختیارش	وانصر: و یاری کن
فهذا: پس این	نصره: یاری کرد او را
علی مولاه: علی مولای اوست - صاحب	واخذل: و خوار کن
اختیار اوست - سرپرست اوست	خذله: خوار کند او را - تنها گذارد او را
اللهم: خدایا	

معرفی حضوری حضرت علی علیه السلام به عنوان ولایت و امامت مسلمین توسط پیامبر صلی الله علیه و آله:

(سپس پیامبر صلی الله علیه و آله بازوی علی را گرفت و او را بالا برد، به حدی که پای او موازی زانوی پیامبر قرار گرفت) سپس فرمود:
ای مردم چه کسی بر شما از خودتان صاحب اختیارتر است؟
(مردم) گفتند: خدا و رسولش.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آگاه باشید هر کس که من مولای او هستم (صاحب اختیار او هستم) این علی علیه السلام مولا و صاحب اختیار اوست.

خداوندا، دوست بدار هر آنکه ولایت و سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار هر آنکه او را دشمن بدارد (و ولایت او را انکار کند) و یاری کن کسی را که او را یاری و پشتیبانی کند و خوار گردان کسی که او را تنها بگذارد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، هَذَا عَلَيَّ أَخِي وَوَصِيِّ
 وَوَاعِي عِلْمِي ، وَخَلِيفَتِي فِي أُمْنِي عَلَى مَنْ آمَنَ
 بِي وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالِدَّاعِي
 إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ
 وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَالنَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ .
 إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ ،
 وَقَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ .



الناهي: نهی کننده	أخي: برادر من
عَنِ مَعْصِيَتِهِ: از نافرمانی او	وَاعِي: حافظ - نگهبان
الهادي: هدایت کننده	الداعي: دعوت کننده
قاتل: کشته	العامل: عمل کننده
الناكثين: پیمان شکنان	بِمَا يَرْضَاهُ: به آنچه مورد رضایت
القاسطين: ستمگران	اوست
المارقين: خارج شدگان از دین	المُحَارِبُ: جنگ کننده
(خوارج)	أَعْدَائِهِ: دشمنان او
بِأَمْرِ اللَّهِ: به فرمان خدا	المُوَالِي: دوستی کننده
	طاعته: فرمانبرداری او

حضرت علی علیه السلام شخصیت جامع شرایط از هر جهت، برای جایگزینی و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله:

ای مردم! این علی:

برادر من، وصی من، حافظ علم من و جانشین من در امتم است بر آنان که به من ایمان آورده‌اند.

و جانشین من در تفسیر کتاب خدا و دعوت کننده به سوی خدا و عمل کننده به آنچه موجب خشنودی خداست.

علی جنگ کننده با دشمنان خدا و یاری کننده (دیگران) بر اطاعت خدا و نهی کننده از نافرمانی خدا می‌باشد.

جانشین رسول خدا و پیشوای مؤمنین و امام هدایت کننده از طرف خداست.

و قاتل پیمان‌شکنان، ستمگران و خوارج است به فرمان خدا.

يَقُولُ اللَّهُ : ﴿مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ﴾ . بِأَمْرِكَ
 يَا رَبِّ أَقُولُ : اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ
 وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنِ مَنْ أَنْكَرَهُ
 وَاغْضِبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ .



ما يُبَدِّلُ: عوض نمی‌شود - تغییر نمی‌کند	عاد: دشمن بدار
لَدَيَّ: نزد من - پیش من	عاداهُ: دشمن بدارد او را
بِأَمْرِكَ: به امر تو - به فرمان تو	وَالْعَن: و لعنت کن - از رحمت خود دور کن
أَقُولُ: می‌گویم	أَنْكَرَهُ: انکار کند او را
اللَّهُمَّ: خدایا	إِغْضِبْ: غضب کن
وَالِ: دوست بدار	جَحَدَ: انکار کرد
وَالَاهُ: دوست بدارد او را	حَقَّهُ: حق او را

تأکید خداوند بر تحقق و تداوم ولایت علی علیه السلام:

خداوند می‌فرماید: فرمان من تغییر نمی‌کند (و حکم ابلاغ ولایت علی علیه السلام همان است که صادر شده است و تغییرپذیر نیست).

تأکیدهای مکرر پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص ولایت علی علیه السلام:

پس خدایا من نیز طبق فرمان تو، چنین می‌گویم:
 خدایا دوست بدار هر کس که علی علیه السلام را دوست بدارد و دشمن بدار هر
 که را با او دشمنی کند و لعنت کن هر که را که (ولایت) او را انکار کند
 و بر کسی که حق او را انکار کند غضب کن.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ آيَةَ فِي عَلِيٍّ وَلَيْكَ عِنْدَ
تَبْيِينِ ذَلِكَ وَنَصْبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ : ﴿الْيَوْمَ
أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ ، وَقُلْتُ : ﴿إِنَّ
الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ ، وَقُلْتُ : ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ
غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ
مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ . اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ .



انک: همانا تو	آتَمَمْتُ: تمام کردی
أَنْزَلْتُ: فرو فرستادی	رَضِيتُ: پسندیدم
فی علی: در مورد علی علیه السلام	قلت: گفتم
ولیک: ولی خودت	یَبْتَغِ: طلب کند - جستجو کند -
عند تبیین: هنگام روشن شدن	دنبال کند
نصبک: منصوب کردن تو	فَلَنْ يُقْبَلَ: پس قبول نمی شود
لهذا اليوم: برای این روز	الخاصین: زیانکاران
نصبی: نصب کردن من	أشْهَدُكَ: شاهد می گیرم تو را
ایّاه: او را	إِنِّي: همانا من
أَكْمَلْتُ: کامل کردی	قد بَلَغْتُ: قطعاً ابلاغ کردم

اعلام و تعیین «امام» و «دین» مسلمانان از جانب خداوند در روز غدیر:

خدایا: تو برای روشن شدن ولایت علی علیه السلام و منصوب شدن او به عنوان ولیّ خدا، امروز این آیه را نازل کردی:

«اليوم اكملت لكم دينكم»

امروز، (روز غدیر و روز ابلاغ ولایت علی علیه السلام) دین تان را برایتان کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام (با ولایت امیرالمؤمنین) دین شما باشد.

و فرمودی: «قطعاً دین در نزد خدا اسلام است»

و فرمودی: «هر کس دینی غیر از دین اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است.

پروردگارا: تو را شاهد می گیرم که این فرمان تو را ابلاغ کردم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ
بِإِمَامَتِهِ . فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَيَمْنِ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ
وُلْدِي مَنْ صُلِّيَ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ،
﴿لَا يَخَفُّ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ﴾



اکمل: کامل کرد	العرض: عرضه شدن - ظاهر شدن -
دینکم: دین شما را	(عرضه اعمال در روز قیامت)
بإمامته: به وسیله امامت او	فأولئك: پس آنها
لم يأتَمْ: اقتدا نکند	حبطت: تباه شد
يقوم: می ایستد	أعمالهم: اعمالشان
مقامه: جایش - محل ایستادنش	خالدون: جاودانه - همیشگی
يقوم مقامه: قائم مقام و جانشین	لا يخفف: تخفیف نمی دهد - سبک
اوست	نمی کند
من ولدی: از فرزندان من	عنهم: از ایشان
من صلبه: از نسل او	لا هم ينظرون: مهلت داده نمی شوند
إلى يوم القيامة: تا روز قیامت	

ضرورت پذیرش امامت و ولایت دوازده امام (علیهم السلام) و عواقب انکار آن:

ای مردم! قطعاً خداوند به وسیله امامت علی علیه السلام (در این روز غدیر) دین شما را کامل نمود (پس مسلمانی که اسلام را بدون امامت علی علیه السلام پذیرفته است دینش ناقص است و دین ناقص، انسان را به ساحل نجات و سعادت نمی‌رساند).

پس کسانی که امامت او و جانشینان او از فرزندان من که از نسل او هستند، تا روز قیامت و روز حضور در پیشگاه خداوند متعال را نپذیرند اعمالشان تباه شده و در آتش جهنم جاودانه خواهند بود. خداوند عذاب آنها را تخفیف نخواهد داد و به آنها مهلتی داده نخواهد شد.

(پس فقط پذیرش امامت و ولایت علی علیه السلام موجب اکمال دین نیست بلکه باید ولایت یازده امام بعد از امیرالمؤمنین را بپذیرید تا دینتان کامل شود).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، هَذَا عَلَيَّ ، أَنْصَرُكُمْ لِي
وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ ، وَاللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ . وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ
رَضِيَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ ، وَلَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ
آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدَحٍ فِي الْقُرْآنِ
إِلَّا فِيهِ ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ﴾
إِلَّا لَهُ ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ .



بَدَأَ بِهِ: آغاز کرد به او	أَنْصَرُكُمْ لِي: یاری کننده ترین شما
لا نزلت: نازل نشد	نسبت به من
مدح: ستایش — توصیف کردن	أَحَقُّكُمْ بِي: شایسته ترین شما نسبت به
أَلَّا فِيهِ: مگر در مورد او	من — سزاوارترین شما نزد من
لا شَهِدَ: گواهی نداد	أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ: نزدیک ترین شما به من
بالْجَنَّةِ: بهشت را	أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ: گرامی ترین شما نزد من
لا أَنْزَلَهَا: نازل نکرد آن را	عنه راضیان: از او راضی هستیم
فی سِوَاهُ: در مورد غیر او	ما نزلت: نازل نشد
لا مَدَحَ: مدح و ستایش نکرد	رَضِيَ: خشنودی — رضایت
بِهَا: به وسیله این سوره	فیه: در مورد او
	لَا خَاطَبَ: مورد خطاب قرار نداد

امتیازات خاص حضرت علی (علیه السلام):

ای مردم! این علی یاری کننده‌ترین شما نسبت به من است (زیرا او بود که در تنهایی ابتدای بعثت همراه من بود. او بود که جان خود را فدای من کرد. او بود که در جنگها حامی من بود و او) شایسته‌ترین شما نزد من (برای گرفتن امتیاز و مدال افتخار از خدا و رسول اوست و او) نزدیکترین شما به من (از کودکی اش تا کنون) و گرمی‌ترین شما نزد من است.

من و خداوند بلند مرتبه از او راضی هستیم. (و چه امتیازی برای علی بالاتر از رضایت خدا و رسول اوست).

هیچ آیه‌ای (از آیات قرآن درباره) خشنودی (خداوند از انسانها) نازل نشده مگر اینکه درباره علی است. و خداوند هیچ مؤمنی را مخاطب قرار نداده مگر اینکه از علی شروع کرده (چرا که علی سرآمد ایمان آورندگان است) و هیچ آیه مدحی در قرآن نازل نشده مگر آنکه درباره اوست، (زیرا هر آیه‌ای که درباره مدح انسان نازل شده مقصود از انسان، فرد اکمل آن است و فرد اکمل انسانیت چه کسی است جز علی (علیه السلام)؟)

و در سوره انسان به بهشت شهادت نداده و آن را ننوشته است مگر برای علی و این سوره را درباره (هیچکس) غیر از او نازل نکرده است و به وسیله این سوره غیر او را ستایش نکرده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَالْمُجَادِلُ
عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ، وَهُوَ التَّقِيُّ التَّقِيُّ الْهَادِي
الْمَهْدِي . نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَوَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ
وَبَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، ذُرِّيَّةُ
كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ ، وَذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ .



ناصر: یاری کننده	نَبِيُّكُمْ: پیامبر شما
المُجَادِل: جدال کننده - دفاع کننده	خَيْرُ نَبِيٍّ: بهترین پیامبر
عَنْ: از	بَنُوهُ: فرزندان او - پسران او
التَّقِيُّ: پرهیزکار - با تقوی	خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ: بهترین جانشینان
النَّقِيُّ: پاک - پاکیزه	ذُرِّيَّةُ: نسل
الهادی: هدایت کننده	كُلِّ نَبِيٍّ: هر پیامبری
الْمَهْدِي: هدایت شده	مِنْ صُلْبِهِ: از نسل او

ارتباط ویژه و خاص پیامبر ﷺ با علی علیه السلام:

ای مردم! علی یاریگر دین خدا و دفاع کننده از رسول خداست و او پرهیزکار، پاک، هدایت کننده و هدایت شده است.

پیامبر شما بهترین پیامبر، و امام شما (علی علیه السلام) بهترین امام و فرزندان او (که یازده امام پس از او هستند) بهترین جانشینان هستند. (هنگامی که ثابت شد رسول الله اشرف و اکمل انبیاست پس وصی او هم باید افضل اوصیاء باشد و لذا جانشینان پیامبر خاتم، از انبیای قبلی افضلند).

فرزندان و نسل پیامبر ﷺ از علی علیه السلام می باشد:

ای مردم! نسل هر پیامبری از صلب خود اوست اما فرزندان من از صلب علی هستند. (و این بدان علت است که علی و رسول خدا از نوری واحد هستند و نیز فرموده است من از علی هستم و علی از من).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ
بِالْحَسَدِ ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَخْطِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَنْزِلَ
أَقْدَامُكُمْ ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ
وَاحِدَةٍ ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَكَيْفَ بِكُمْ
وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ .



أَخْرَجَ: خارج کرد	بِخَطِيئَتِهِ واحده: به خاطر یک اشتباه
بِالْحَسَدِ: به خاطر حسادت	صَفْوَةُ: برگزیده
فَلَا تَحْسُدُوهُ: پس بر او حسد نورزید	فَكَيْفَ بِكُمْ: پس چگونه است حال شما
تَخْطِطَ: ناپود می شود	أَنْتُمْ: شما
تَنْزِلَ: می لغزد	مِنْكُمْ: بعضی از شما
أَهْبَطَ: پایین آورده شد - فرو فرستاده شد	أَعْدَاءُ: دشمنان
إِلَى الْأَرْضِ: به زمین	

هشدار و تذکر پیامبر ﷺ به حسودان منصب امامت و ولایت علیؑ:

ای مردم! همانا شیطان به خاطر حسادت، حضرت آدم را (فریب داد و) از بهشت بیرون کرد. پس نسبت به علیؑ حسد نورزید پس (اگر به او حسد بورزید) اعمالتان نابود می شود و قدمهایتان می لغزد.

پس همانا آدم ﷺ به سبب یک اشتباه (از بهشت اخراج و) به زمین رانده شد، در حالی که او برگزیده خدای بلند مرتبه بود پس چگونه خواهد بود حال شما (اگر به مقام ولایت علیؑ حسادت ورزید) در حالی که شما شمااید، (و یک انسان معمولی هستید و مانند آدم ﷺ برگزیده خدا نیستید، آدم ﷺ پیامبر خدا بود ولی شما که انسانهای معمولی هستید معلوم است که اگر حسادت ورزید و ولایت علی را نپذیرید قطعاً به گمراهی خواهید رفت و این در حالی است که در میان شما دشمنان خدا هم وجود دارند) و بعضی از شما دشمنان خدا هستید.

أَلَا وَإِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيٌّ ، وَلَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيٌّ ، وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُّخْلِصٌ . وَفِي عَلِيٍّ - وَاللَّهِ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ : ﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، وَالْعَصْرِ ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴾ إِلَّا عَلِيٌّ الَّذِي آمَنَ وَرَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، ﴿ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴾ .



أَلَا: آگاه باشید	والله: به خدا سوگند
لا يَبْغِضُ: دشمنی نمی‌کند - بغض و	نزلت: نازل شده است
کینه نمی‌ورزد	اسْتَشْهَدْتُ: شاهد گرفتم
شَقِيٌّ: بدبخت	بَلَّغْتُكُمْ: رسانیدم به شما
لا يُوَالِي: به دوستی نمی‌گیرد - دوست	ما عَلَى الرَّسُولِ: نیست بر رسول خدا
نمی‌دارد	الْبَلَاغُ: رساندن - ابلاغ کردن
تَقِيٌّ: پرهیزکار	الْمُبِينُ: آشکار
لا يُؤْمِنُ: ایمان نمی‌آورد - تصدیق	حَقَّ تُقَاتِهِ: حق پرهیزکاری
نمی‌کند	لا تَمُوتُنَّ: نمیرید
مُخْلِصٌ: انسان خالص و بی‌ریا	مُسْلِمُونَ: مسلمانان
فی عَلِيٍّ: در مورد علی علیه السلام	

نشانه و ریشه دوستی و دشمنی با علی علیه السلام:

بدانید که بغض علی را به دل نمی‌گیرد مگر انسان بدبخت، و با او دوستی نمی‌کند مگر انسان پرهیزکار، و او را تصدیق نمی‌کند مگر انسان با ایمان و با اخلاص. (پس دوستی علی علیه السلام را اختیار کنید، او را تأیید و تصدیق کنید و به این وسیله خود را از هلاکت برهانید).

و (از دیگر فضایل علی علیه السلام آن است که) به خدا قسم سوره عصر درباره علی علیه السلام نازل شده است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ والعصر ان الانسان لڤی خسر. الا الذین امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر («الذین آمنوا» در این سوره، مصداق اکمل آن قطعاً علی علیه السلام است) اوست که پیش از همه، ایمان آورده (و در تمامی عمر خود عامل به اعمال صالح بوده و دیگران را توصیه به حق و صبر می‌کرد) و به حق و صبر راضی شد.

ابلاغ فرمان ولایت و انجام رسالت الهی:

ای مردم! خدا را شاهد می‌گیرم که رسالت خود (و پیام الهی در خصوص ولایت علی علیه السلام) را به شما رساندم. و بر پیامبر جز ابلاغ آشکار وظیفه‌ای نیست.

توصیه به مخالفان ولایت علی علیه السلام:

ای مردم! از (مخالفت با فرمان) خدا پرهیزید آنچنان که حق تقوای الهی است و نمیرید مگر در حال مسلمانی (و تسلیم ولایت علی علیه السلام)، پس اگر ولایت علی را نپذیرید و در آن حال بمیرید حق تقوای الهی را به جا نیاورده و در حالت غیر مسلمانی مرده‌اید).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، ﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلُ
أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فَرَدَّهَا عَلَى أَذْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ
السَّبْتِ ۚ﴾ . بِاللَّهِ مَا عَنِ بِهَذِهِ الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرِفُهُمْ
بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ ، وَقَدْ أَمَرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ . فَلْيَعْمَلْ
كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ .



ما عني: قصد نشده است	آمنوا: ایمان بیاورید
قوماً من اصحابی: گروهی از اصحاب	أنزل: فرو فرستاده شد
من	معه: با او
أعرفهم: می شناسم آنها را	أن نطمس: اینکه محو کنم
بأسمائهم: با نامهایشان	وجوه: صورتها
أنسابهم: نسب و خاندانش	فردّها: پس برگردانیم صورتها را
أمرت: امر شده است	على أذبارها: به عقب آن
بالصفح: چشم پوشی - پرده پوشی	أو: یا
فليعمل: پس عمل کند	نلعنهم: لعنت می کنیم آنها را
كل إمري: هر شخصی	كما: همچنان که
يجد: می یابد	لعنا: لعنت کردیم
	اصحاب السبت: اصحاب شنبه (کسانی
	که در روز شنبه از قانون خدا تجاوز
	کردند)

اشاره پیامبر ﷺ به اهداف شوم و توطئه‌های منافقین و عواقب آن:

ای مردم به خدا و رسول او و به نوری (کتابی) که با او نازل شده است ایمان بیاورید قبل از اینکه صورتها را محو کنیم و آنها را به عقب برگردانیم یا آنان را مانند «اصحاب سبت» لعنت کنیم.

به خدا قسم از این آیه قصد نشده مگر گروهی از اصحاب که آنان را به اسم و نسبشان می‌شناسم ولی مأمورم از آنان پرده‌پوشی کنم.

پس هر کس عمل می‌کند مطابق آنچه در قلبش از حبّ یا بغض نسبت به علی علیه السلام می‌یابد (پس ایمان واقعی بیاورید به خدا و رسول و آنچه بر رسول خدا نازل شده که از جمله آنها و بلکه در رأس تمام آیات کتاب خدا، مسئله «ولایت علی علیه السلام» است. و اگر به این مسئله ایمان نیاورید، در روز قیامت به صورت دیگری محشور خواهید شد و به لعنت خدا گرفتار خواهید شد).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، النُّورُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْلُوكٌ
 فِيَّ ، ثُمَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، ثُمَّ فِي النَّسْلِ
 مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمُهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ
 وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا
 حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ
 وَالْخَائِنِينَ وَالْآثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ وَالْعَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ .



هو لنا: آن برای ماست	النور من الله: نوری از جانب خدا
قد جعلنا: همانا قرار داده ما را	فی: در من
حجة: دلیل و برهان — راهنما	مسئول: داخل شده
المقصرين: تقصیرکارها — افراد مقصر	یاخذ: می گیرد
المعاندين: دشمنان	بحق الله: حق خدا را
الاثمين: گنهکاران	بكل حق: هر حقی را

مأموریت‌های ویژه حضرت امام مهدی علیه السلام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله:

ای مردم! این نور (که نور هدایت و نور عصمت است) از طرف خداوند در من وارد شده سپس در علی علیه السلام و بعد از او هم در نسل او تا (دوازدهمین امام)، مهدی علیه السلام که قیام کننده است.

و او کسی است که حق خدا و همه حقی را که برای ماست می‌گیرد. زیرا خداوند بلند مرتبه، ما را حجت قرار داده است بر کسانی که (در کار دین خدا) کوتاهی می‌کنند و (همچنین بر) دشمنان دین و مخالفین (با ولایت اهل بیت) و خائنین و گنهکاران و ظالمین از همه مردم جهان. (از آنجا که خداوند عادل است و ساحت او از ظلم به دور است لذا در دنیا باید حجت را بر بندگانش تمام کند تا بتواند در روز قیامت به آنان کیفر عمل زشت را بدهد.

پیامبر اکرم و جانشینان ایشان دلایل و براهین الهی بر اهل زمین هستند که از طرف خداوند به عنوان حجت بر تمامی بندگان قرار داده شده‌اند).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أُنذِرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ
 قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ ، أَفَأَنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ
 انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبِهِ
 فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ
 الصَّابِرِينَ . أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ
 وَالشُّكْرِ ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ .



مَنْ يَنْقَلِبْ: هر کس بازگردد	أُنذِرُكُمْ: هشدار می‌دهم به شما -
عَلَى عَقْبِهِ: بر پاشنه‌هایش - به	می‌ترسانم شما را
گذشته‌اش	قَدْ خَلَتْ: گذشت - سپری شد
لَنْ يَضُرَّ: هرگز ضرر نمی‌زند	أَفَأَنْ: پس آیا اگر
سَيَجْزِي: به زودی پاداش خواهد داد	مِتُّ: بمیرم
الْمَوْصُوفُ: کسی که توصیف شده	قُتِلْتُ: کشته شدم
وَلَدِي: فرزندانم	انْقَلَبْتُمْ: برمی‌گردید
مِنْ صُلْبِهِ: از نسل او	أَعْقَابِكُمْ: گذشته‌تان

وظایف هوشیارانه و تکلیف حساس مردم در مواقع فقدان رهبری جامعه دینی:

ای مردم! به شما هشدار می‌دهم و اعلام می‌کنم که من فرستاده خدا هستم، قبل از من هم رسولانی (از طرف خدا) آمدند (و وظیفه تبلیغی خود را به انجام رساندند) و رفتند (من هم همانند آنها روزی از میان شما خواهم رفت اما سؤالی از شما دارم و سؤالم این است):

آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم شما به عقب برمی‌گردید؟ (و به آیین گذشته خود رجوع می‌کنید و دست از اسلام و حقایق آن برمی‌دارید؟ و البته بدانید که) هر ملت و هر جامعه‌ای به عقب برگردد (و از اصول و مواضع بر حق دینش عقب‌نشینی کند، این عقب‌نشینی به ضرر جامعه و ملت تمام می‌شود و) هرگز به خدا ضرری نمی‌زند.

و به زودی خداوند شکرگزاران (عملی و ادامه دهندگان عملی راه پیامبران و جانشینان آنان) را پاداش خواهد داد.

وصف علی علیه السلام در قرآن:

آگاه باشید و (بدانید) که علی و سپس فرزندانم که از صلب او هستند به صبر و شکر توصیف (و شناخته) می‌شوند. (و منظور از شاکرین در آیه «و سیجزی الله الشاکرین» همانا علی و اولاد او هستند).

مَعَايِرِ النَّاسِ ، لَا تَمُوتُوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ ، بَلْ لَا تَمُوتُوا عَلَى اللَّهِ
 فَيُحِيطَ عَمَلُكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَيَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِ مِنْ نَارٍ
 وَنَحَاسٍ ، إِنَّ رَبَّكُمْ لِبَالِمُزَاصِدٍ . مَعَايِرِ النَّاسِ ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي
 أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ . مَعَايِرِ النَّاسِ ،
 إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِثَانٍ مِنْهُمْ . مَعَايِرِ النَّاسِ ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ
 وَأَشْيَاعَهُمْ فِي الذُّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ .
 أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ ، فَلْيَنْتَظِرُوا أَحَدَكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ !!

الذُّرْكِ الْأَسْفَلِ: پست‌ترین جایگاه

لَيْسَ: قطعاً بد است

مَثْوَى: جایگاه

الْمُتَكَبِّرِينَ: سرکشان

الصَّحِيفَةِ: کتاب - نامه - کاغذی که

روی آن چیزی می‌نویسند

أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ: اشاره است به

پیمان‌نامه‌ای که توسط پنج نفر از

سران منافقین که در بین صحابه

رسول الله بودند در حجة الوداع در

کعبه امضاء شده بود و همگی در آن

نامه نوشته بودند و هم‌پیمان شده

بودند که نگذارند خلافت بعد از

پیامبر ﷺ به اهل بیتش برسد.

فَلْيَنْتَظِرُوا: پس باید نظر کند

أَحَدَكُمْ: هر کدام از شما

لَا تَمُوتُوا: مَنّت نگذارید

يَحِيطُ: نابود می‌کند

يَسْخَطُ: خشم می‌کند

يَبْتَلِيكُمْ: مبتلا می‌کند شما را - گرفتار

می‌کند شما را

شَوَاطِ: شعله‌های آتش

نَحَاسٍ: مس گداخته - دود

مِرْصَادٍ: کمینگاه

سَيَكُونُ: به زودی می‌باشد

يَدْعُونَ: دعوت می‌کنند

لَا يُنْصَرُونَ: یاری نمی‌شوند

بَرِثَانٍ: بیزاری‌کننده‌ها - بیزارها

أَشْيَاعِهِمْ: پیروانشان

أَتْبَاعَهُمْ: تابعین آنها

هشدار به افکار و اعتقادات باطل منافقین و عواقب دردناک آن:

ای مردم به خاطر اسلام آوردنتان بر من مَنّت مگذارید، بلکه بر خدا هم مَنّت نگذارید که اعمالتان را نابود می‌نماید و بر شما غضب می‌کند و شما را به شعله‌هایی از آتش و دود گرفتار می‌کند. همانا خداوند در کمین شما است.

توطئه‌ها و فتنه‌های منافقین و دشمنان اهل بیت (علیهم‌السلام) بر علیه ولایت و امامت مسلمین:

ای مردم! همانا بعد از من رهبرانی خواهند بود (که خلافت را غصب می‌کنند و آنرا از مسیر اصلی آن منحرف می‌سازند و شما را) به سوی آتش (جهنم) دعوت می‌کنند و (مطمئن باشید که آنان) در روز قیامت (از جانب هیچ کس) یاری نمی‌شوند (و خود و پیروانشان در آتش خشم الهی خواهند سوخت).

ای مردم! من و خداوند از آن (کسانی که غاصب خلافت بوده و ولایت علی علیه‌السلام را نمی‌پذیرند) بیزاریم.

ای مردم! آنها و یاران و پیروانشان در پست‌ترین درجه جهنم خواهند بود و چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران.

آگاه باشید که آنها اصحاب صحیفه هستند پس هر کدام از شما باید در مسئله «صحیفه» اندیشه کند (و آن قضیه تاریخی را مطالعه و بررسی کند)

راوی می‌گوید: وقتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «اصحاب صحیفه» را فرمود اکثر مردم منظور حضرت را نفهمیدند مگر تعداد اندکی.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي
عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ
بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ ، وَعَلَى
كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ ، وَلَدَ أَوْ لَمْ يُولَدْ ،
فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .



لَمْ يَشْهَدْ: حضور ندارد - شاهد نیست	أَدْعُهَا: به ودیعه گذاشتم آن را - (به
وَلَدَ: متولد شده است	امانت سپردم آن را)
لَمْ يُولَدْ: متولد نشده است	عَقْبِي: پشت سرم
فَلْيُبَلِّغِ: پس باید برساند - ابلاغ کند	قَدْ بَلَغْتُ: قطعاً رساندم
الوالد: پدر	ما أُمِرْتُ: آنچه مأمور بودم
الولد: فرزند	بتبلیغه: به ابلاغ کردن آن
	مِمَّنْ شَهِدَ: از کسی که حضور دارد -
	کسی که شاهد است

ولایت و امامت مسلمین جهان تا روز قیامت:

ای مردم! من جانشینی و خلافت را به عنوان امامت و به صورت وراثت تا قیامت در نسل خودم به امانت می‌گذارم. (بنابراین امامت تا روز قیامت ثابت است و همه مسلمین تا دنیا دنیااست، موظفند از این دستور آسمانی پیروی نمایند و هیچ عذری برای سرپیچی از آن پذیرفته نیست). آنچه را که به ابلاغش مأمور شده بودم رساندم تا حجّتی باشد بر هر کس که حاضر است و هر کس که غائب است.

و بر هر فرد از کسانی که شاهد (این امر) بوده و (جانشینی علی و اولاد او را از زبان من شنیده‌اند و) کسانی که حاضر و شاهد آن نبودند، چه متولد شده باشند چه نشده باشند، (این اعلام من بر تمامی انسانها حجت است و هیچ کس نمی‌تواند از پذیرش آن خودداری کند).

تکلیف مهم پدران برای فرزندان مسلمین در خصوص امر ولایت و امامت:

پس باید این مطلب را هر حاضر به غائب و هر پدری به فرزندش تا روز قیامت برساند. (چرا که ولایت علی علیه السلام و اولادش تا روز قیامت ادامه خواهد داشت و مسلمین تا روز قیامت موظف به پیروی از آنان هستند).

درس چهل و دوم هشدار شدید پیامبر و خداوند به غاصبان ولایت

وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكًا وَاغْتِصَابًا ، أَلَا لَعَنَ
 اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُغْتَصِبِينَ ، وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ
 مَنْ يَفْرُغُ ، وَيُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ .
 مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَكُنْ
 لِيَذَرَكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ
 الطَّيِّبِ ، وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ .

شَوْاظُ: شعله - شراره آتش

نُحَاسٌ: مس گداخته - دود

فَلَا تَنْتَصِرَانِ: پس نمی توانید یاری
 بطلبید - نمی توانید از خود دفع کنید
 لَمْ يَكُنْ لِيَذَرَكُمْ: هرگز رها نمی کند

شما را

يَمِيزُ: جدا کند

الْخَبِيثُ: ناپاک - فاسد

الطَّيِّبُ: پاک

مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ: هرگز خداوند

آگاه نمی کند شما را

سَيَجْعَلُونَهَا: به زودی قرار خواهند داد

آن را

مُلْكُ: فرمانروایی - پادشاهی

اغْتِصَابُ: غصب کردن - گرفتن با

ظلم و اجبار

لَعَنَ: لعنت کرد

الغاصبين: غصب کنندگان

المغتصبين: تجاوز کنندگان ظالم

سيفرغ: به زودی قصد خواهد کرد -

به زودی خواهد پرداخت

أَيُّهَا الثَّقَلَانِ: ای دو گروه جن و انس

فَيُرْسَلُ: پس فرستاده می شود

هشدار شدید به عواقب متجاوزان و غاصبان منصب امامت و ولایت:

(و اما ای مردم! با این همه تأکید و تکراری که در مسأله ولایت در حضور شما دارم، و اینهمه اصراری که نسبت به حمایت از علی و اولادش داشته‌ام، بدانید کسانی) به زودی امامت را پس از من با ظلم و زور غاصبانه به صورت پادشاهی درمی‌آورند.

آگاه باشید که خداوند غاصبان متجاوز و چپاولگران را لعنت کرده است. «پس در آن زمان به (حساب) شما خواهد پرداخت آنکه به حساب‌ها می‌پردازد ای جن و انس. و بر سرتان شراره‌هایی از آتش و دود و مس‌گداخته فرستاده می‌شود (طوری که) نتوانید از خود دفاع کنید.» (این است عاقبت غاصبان خلافت).

ای مردم! قطعاً خداوند شما را به حال خودتان رها نخواهد کرد تا اینکه افراد پاک را از ناپاک جدا کند (البته بدانید که) خداوند شما را بر امور غیبی و پنهانی آگاه نخواهد کرد (پس هر کس باید در معرکه امتحان الهی قرار گیرد تا پاک از ناپاک جدا شود).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيبَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ
يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَمَمْلِكُهَا لِإِمَامِ الْمَهْدِيِّ وَاللَّهُ مُصَدِّقُ وَعْدِهِ .
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ،
وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ .
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ﴿ أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ، ثُمَّ نُنَبِّئُهُمْ
الْآخِرِينَ ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ، وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴾ .



قریه: شهر — روستا	أَهْلَكَ: هلاک کرد
ما مِنْ قَرِيبَةٍ: هیچ شهری نیست	مُهْلِكُ: هلاک کننده
مُهْلِكُهَا: هلاک کننده آن	قَالَ: گفت
بِتَكْذِيبِهَا: به دلیل تکذیب کردن آنها	أَلَمْ نُهْلِكِ: آیا ما هلاک نکردیم
مَمْلِكُهَا: تحت حکومت درمی آورد آن	نُنَبِّئُهُمْ: در پی آن قرار دادیم
را	كَذَلِكَ: اینچنین
مُصَدِّقُ: تأیید کننده — تصدیق کننده	نَفْعَلُ: انجام می دهیم
وَعْدَهُ: وعده اش	وَيَلُ: وای
ضَلَّ: گمراه شد	يَوْمَئِذٍ: در آن روز
قَبْلَكُمْ: قبل از شما	لِلْمُكَذِّبِينَ: بر تکذیب کنندگان

عاقبت هلاکت بار مخالفان و تکذیب کنندگان حق:

ای مردم! هیچ سرزمینی نیست مگر اینکه خداوند به خاطر تکذیب (حق، توسط) اهل آن سرزمین آنان را قبل از قیامت هلاک می‌نماید و به حکومت امام مهدی عجله الله تعالی فرجه درمی‌آورد و قطعاً خداوند وعده خود را انجام خواهد داد.

ای مردم! تعداد زیادی از اقوام پیشین قبل از شما گمراه شدند (و سخن انبیاء خود را نپذیرفتند). و قطعاً خداوند آن اقوام گذشته را هلاک کرد و اقوام آینده را نیز (اگر چنین باشند) هلاک خواهد کرد.

خداوند متعال فرموده است: آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم. پس دیگران را نیز (که ولایت حق را انکار کرده و ولایت ناحق را پذیرند هلاک کرده و) به آنها ملحق خواهیم نمود. ما با مجرمین چنین رفتار می‌کنیم وای بر تکذیب کنندگان (حقیقت) در آن روز قیامت.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي ،
وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ بِأَمْرِهِ . فَعِلْمُ الْأَمْرِ
وَالنَّهْيِ لَدَيْهِ ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلِمُوا وَأَطِيعُوا
تَهْتَدُوا وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا ، وَصِيرُوا إِلَى مُرَادِهِ
وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ .



قَدْ أَمَرَنِي: فرمان داد به من	انتهوا لنهي: نهی او را دریابید - نهی
نهانی: نهی کرد مرا	او را بپذیرید
أَمَرْتُ: فرمان دادم	ترشدوا: تا هدایت یابید - ارشاد
نهیه: نهی کردم او را	شوید - رشد یابید
لدیه: در نزد اوست	صيروا: حرکت کنید - رجوع کنید
فاسمعوا: پس گوش دهید	مراده: خواسته او - مراد و مقصد او
لأمره: به فرمان او	لا يتفرق بكم: نباید شما را متفرق کند
تسلموا: سلامت بمانید - نجات یابید	السبيل: راهها
أطيعوه: از او اطاعت کنید	عن سبيله: از راه او
تهتدوا: تا هدایت شوید	

علت وجوب اطاعت از او امر علی علیه السلام:

ای مردم! همانا خداوند مرا (بر احکام و دستورات شریعت) امر و نهی کرد و من هم علی را (همانطور که خداوند دستور داده بود) امر و نهی کردم و علم امر و نهی نزد اوست. (بنابراین او امر و نهی شریعت و تمامی واجبات و محرمات را از پروردگارش می‌داند).

آثار و نتایج اطاعت از علی علیه السلام:

پس فرمان او را گوش فرا دهید تا نجات یابید. و از او اطاعت کنید تا هدایت شوید و طبق نهی او (از بدیها) دست بردارید تا در راه درست باشید و رشد یابید و همیشه در راهی که او می‌رود حرکت کنید و راههای گوناگون ضلالت، شما را از راه راست (که او به شما معرفی می‌کند) جدا نکند.

درس چهل و پنجم توصیف علی (علیه السلام) از قول پیامبر و قرآن

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ،
 ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي ، ثُمَّ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةُ الْهُدَى ، يَهْدُونَ
 إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ . ﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ
 وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ، صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
 عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴾ ، فِيَّ نَزَلَتْ
 وَفِيهِمْ وَاللَّهُ نَزَلَتْ ، وَلَهُمْ عَمَّتْ ، وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ
 الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ .

صراط: راه	لهم: برای ایشان
المستقيم: معتدل - راست	عمت: شامل شد
امرکم: دستور داد شما را	ایاهم: آنها را
باتباعه: به پیروی از آن	خصت: اختصاص یافت
ولدی: فرزندانم	اولئک: ایشان
من صلبه: از نسل او	اولیاء: دوستان
ایمته: امامان	خوف: ترس
یهدون: راهنمایی می کنند	لا هم یحزنون: آنها اندوهگین
یعدلون: به عدالت رفتار می کنند	نمی شوند
فی: درباره من	حزب: گروه - حزب
فیهم: در مورد ایشان	الغالبون: پیروزمندان
نزلت: نازل شده	

اوصاف و امتیازات خاص علی علیه السلام و فرزندان:

ای مردم! من صراط مستقیم خداوند هستم که خداوند شما را به پیروی از آن فرمان داد و بعد از من علی علیه السلام و سپس فرزندان من که از نسل او هستند، امامان هدایت‌اند و به سوی حق هدایت می‌کنند و به یاری حق به عدالت رفتار می‌کنند.

(سپس این سوره را در حق ایشان تلاوت فرمودند:)

اختصاص سوره حمد به پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فرزندان ایشان:

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم مالک يوم الدين اياک نعبد و اياک نستعين اهدنا الصراط المستقیم صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم و لا الضالين.

و فرمود: (مصادق اکمل عبارت «الذين انعمت عليهم» قطعاً من و جانشینان من هستیم و) این سوره درباره من و به خدا قسم ایشان (که) امامان پس از من هستند) نازل شده است و ایشان را هم شامل شده و به ایشان اختصاص یافته است.

(مسلمین باید هر روز چندین بار این سوره را در نمازهای خود بخوانند و هدایت در «صراط مستقیم» که همانا راه امیرالمؤمنین و اولاد اوست، از درگاه الهی بخواهند چرا که آنها) دوستان خدا هستند که نه ترسی بر آنها است و نه غمی دارند.

آگاه باشید که آنها حزب خدا هستند و حزب خدا قطعاً پیروزند.

درس چهل و ششم اوصاف و نشانه‌های دوستان و دشمنان ولایت

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ ، يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا . أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ : ﴿ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾ .

أعداء: دشمنان
 آبناء: فرزندان

الغاوون: فریب‌کاران - گمراه کنندگان
 إخوان: برادران
 عَشِيرَة: فامیل - خویشاوند
 بُوحي: اشاره می‌کند - وسوسه می‌کند
 زُخْرَفُ الْقَوْلِ: حرفهای زیبا اما باطل و دروغ
 غُرُور: خدعه - باطل - فریبنده
 أَوْلِيَاءَهُم: دوستان آنها
 ذکر: ذکر کرد
 لَا تَجِدُ: نمی‌یابی
 يُوَادُّونَ: دوستی کنند
 حَادَّ: دشمنی کنند - مخالفت کنند
 لَوْ كَانُوا: اگر چه باشند
 آبَاء: پدران
 أَيْدَهُم: تأیید کرد آنها را
 يُدْخِلُهُم: داخل می‌کند آنها را
 تَجْرِي: جاری است
 تَحْتِهَا: زیر آنها
 الْأَنْهَارُ: جویها - رودها - نهرها
 خَالِدُونَ: جاودانه - همیشگی
 رَضِيَ: خشنود است
 عَنْهُمْ: از ایشان
 رَضُوا: خشنود هستند
 الْمُفْلِحُونَ: رستگاران

رفتارها و عملکرد دشمنان و دوستان اهل بیت (علیهم السلام):

بدانید که دشمنان ایشان (اهل بیت علیهم السلام) جاهلان گمراه و برادران (همکاران) شیاطین هستند که برای گمراهی و فریب مردم، سخنان باطل و بیهوده را به یکدیگر می‌رسانند.

آگاه باشید که دوستان علی و اهل بیت علیهم السلام کسانی هستند که خداوند آنها را در کتاب خود یاد کرده و فرموده است:

«ای پیامبر! هیچ قومی را نمی‌یابی که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشند در حالی که با مخالفین خدا و رسولش دوستی کنند. هر چند آن مخالفان پدران یا پسران یا برادران یا خویشان آنها باشند.

عنایتها و پاداشهای ویژه خداوند برای دوستان اهل بیت (علیهم السلام):

آنان کسانی هستند که (خدا) ایمان را در دل‌هایشان نوشته و ثبت کرده است و با روحی از جانب خود تقویتشان نموده، و آنها را به باغهایی که از پای درختانش نهرها جاری است وارد می‌کند و همیشه در آنجا ماندگارند.

خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند. آنها حزب خدا هستند. آگاه باش که حزب خدا، همان رستگارانند.»

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ :
 ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾
 أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَزْتَابُوا . أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ
 يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمَنِينَ ، تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ :
 سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ . أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ ،
 لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ .



وَصَفَهُمُ: توصیف کرد ایشان را	بِالتَّسْلِيمِ: با سلام کردن
فَقَالَ: پس گفت	طِبْتُمْ: پاک شدید
لَمْ يَلْبَسُوا: مخلوط نمی کنند	فَادْخُلُوهَا: پس داخل آن شوید
الْأَمْنُ: ایمنی - سلامتی	خَالِدِينَ: جاودانه
مُهْتَدُونَ: هدایت شدگان	يُرْزَقُونَ: روزی داده می شوند
يَدْخُلُونَ: داخل می شوند	فِيهَا: در آن
آمَنِينَ: در امنیت هستند	بِغَيْرِ حِسَابٍ: بدون حساب
تَتَلَقَّاهُمْ: ملاقات می کنند آنها را -	
استقبال می کنند از آنها	

توصیف دوستان ولایت و اهل بیت (علیهم السلام) از جانب خداوند:

آگاه باشید که دوستان علی و اهل بیت (علیهم السلام) کسانی هستند که خداوند بلند مرتبه آنها را (در آیات زیادی از قرآن) توصیف کرده و فرموده است: «کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را با ظلم مخلوط نکردند و آنها هستند که همیشه در امان (از خشم الهی و عذاب جهنم و به دور از گمراهی بوده) و قطعاً از هدایت یافتگان می‌باشند».

آگاه باشید که دوستان ایشان کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند و شکّ نورزیده‌اند.

آگاه باشید که دوستان ایشان کسانی هستند که در حال امنیّت داخل بهشت شده و فرشتگان با سلام از آنها استقبال می‌کنند و به آنها می‌گویند: سلام بر شما که پاک شدید پس برای همیشه داخل بهشت شوید.

آگاه باشید که دوستان و یاران ائمه (علیهم السلام) کسانی‌اند که بهشت برای آنان است و در آن بدون حساب روزی داده می‌شوند.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَصْلَوْنَ سَعِيرًا . أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ
يَسْمَعُونَ لِحَظَّتِهِمْ شَهيقاً وَهِيَ تَفُورُ وَيَرَوْنَ لَهَا زَفيراً . أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ
الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ : ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا
ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعاً قَالَتْ أَخْرِیْهِمْ لِأُولَیْهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا
فَاتَّيْهِمْ عَذَاباً ضِعْفاً مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ .



یَصْلَوْنَ: داخل می شوند - می چشند -	أَدَارَكُوا: در یک جا جمع شدند - به
می سوزند	هم پیوستند - به هم رسیدند
سَعِيرًا: شعله آتش	أَخْرَاهُمْ: آخرینشان - (پیروان کفر)
يَسْمَعُونَ: می شنوند	أُولَاهُمْ: اولی ایشان - (رهبران کفر)
شَهيق: صدای زشت	هَؤُلَاءِ: اینها
تَفُورُ: فوران می کند - زبانه می کشد	أَضَلُّونَا: گمراه کردند
یرون: می بینند	فَاتَّيْهِمْ: پس بده به آنان
زَفِير: صدای شدید	ضِعْفاً: دو برابر - چند برابر
كُلَّمَا: هر گاه - هر بار	لِكُلِّ: برای همه گروهها - (هر دو
دَخَلَتْ: داخل شد	گروه از پیروان و رهبران کفر)
أُخْتَهَا: همتایش - هم مسلک خود	

عاقبت و شرح حال دردناک دشمنان ولایت و اهل بیت (علیهم السلام) در قرآن:

آگاه باشید که دشمنان امامان در شعله‌های آتش داخل می‌شوند.
 آگاه باشید که دشمنان امامان کسانی هستند که (به جهنم افکنده می‌شوند
 و) صدای وحشتناک و گوش خراش جهنم را می‌شنوند در حالی که
 جهنم در حال فوران و غرّش شدید است.
 بدانید که دشمنان ایشان کسانی‌اند که خداوند درباره آنان فرموده است:
 هر گروهی که داخل جهنم می‌شوند همتای خود را لعنت می‌کنند تا
 آنکه همه آنان در آنجا به یکدیگر پیوندند آنگاه آخرین آنها به اولین
 آنان می‌گویند:

پروردگارا، اینان ما را گمراه کردند پس عذاب دوچندان از آتش به آنها
 نازل کن.

خداوند می‌فرماید: برای هر دو گروه عذاب مضاعف است ولی شما
 نمی‌دانید (هم آنهایی که ظلم کردند و هم آنهایی که زیر بار ظلم رفتند
 زیرا رهبران به گمراهی کشیدند و پیروان باعث تقویت رهبران
 گردیدند).

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ :
 ﴿كُلَّمَا أَلْقِي فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا
 أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ
 فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ ، إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا
 فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ، وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ
 السَّعِيرِ فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ .



ما نَزَّلَ: نازل نکرد	أَعْدَاءَهُمُ: دشمنان آنها
إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا: نیستید شما مگر	كُلَّمَا: هر زمان که
ضَلَالٍ: گمراهی	أَلْقِي: انداخته شود
نسمع: می شنویم	فَوْج: گروه
لو كُنَّا: اگر بودیم	سَأَلَهُمُ: می پرسند از ایشان
نعقل: تعقل می کنیم - (اگر اندیشه و	خَزَنَتُهَا: نگهبانان آن - خزانه داران
عقل مان را به کار گرفته بودیم)	أَلَمْ يَأْتِكُمْ: آیا نیامده برای شما
ما كُنَّا: نبودیم	نَذِير: ترساننده - هشدار دهنده
فاعترفوا: پس اعتراف کردند	قَالُوا: گفتند
بذنبهم: به گناهانشان	جَاءَنَا: آمد برای ما
فسحقاً: پس دور باد هلاک باد	فَكَذَّبْنَا: پس تکذیب کردیم
	قُلْنَا: گفتیم

اعتراف به خیانتها و پشیمانی حسرت آور دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در روز قیامت:

آگاه باشید که دشمنان ائمه (علیهم السلام) کسانی هستند که خداوند درباره آنان فرموده است:

«هر بار که گروهی (از آنان) در جهنم افکنده شوند، نگهبانان جهنم از ایشان می پرسند: آیا برای شما هشدار دهنده ای نیامد؟ (و آیا رسول خدا در مراحل و مواضع متعدّد شما را از دشمنی با علی و اولادش برحذر نداشت؟ و آنها با حسرت و پشیمانی و سرافکندگی) جواب می دهند: چرا، هشدار دهنده ای به سوی ما آمد. (پیامبر خدا همه حقایق را برای ما بیان کرد و ما را به ولایت علی و اولادش امر کرد) ولی ما تکذیب کردیم و گفتیم: (اصلاً) خدا (در این باره) چیزی نفرستاده است. و (بعضی از آنها) می گویند:

اگر شنیده بودیم و یا تعقل می کردیم قطعاً از دوزخیان نبودیم. پس به گناه خود اقرار می کنند، و دور باشند اهل آتش (از رحمت خدا).

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ .
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ .
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ ، وَوَلِيْنَا
كُلُّ مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ .



يَخْشَوْنَ: می ترسند	عَدُوْنَا: دشمن ما
بِالْغَيْبِ: در نهان	ذَمَّهُ: سرزنش کرد او را — مذمت کرد
لَهُمْ: برای ایشان	او را
مَغْفِرَةٌ: آمرزش	لَعَنَهُ: او را لعنت کرده — دور کرد از
أَجْر: پاداش	رحمتش او را
شَتَّانَ: جدایی است — فاصله است	مَدَحَهُ: مدح کرد او را
السَّعِيرِ: شعله آتش	أَحَبَّهُ: دوست داشت او را

شرح حال و عاقبت دوستان و دشمنان ولایت و اهل بیت (علیهم السلام):

آگاه باشید که دوستان اهل بیت علیهم السلام کسانی هستند که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند و برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. ای مردم! چقدر فاصله است بین پاداش بزرگ بهشت و شعله های سوزان جهنم! (جهنم از آن دشمنان ما و بهشت نصیب دوستان ماست). ای مردم: دشمن ما کسی است که خداوند او را (در آیات قرآن) سرزنش کرده و دوست ما کسی است که خداوند او را (در آیات قرآن) مدح کرده و دوستش دارد. (از این روست که می توان با مراجعه به آیات قرآن، دشمنان و دوستان اهل بیت را از یکدیگر بازشناخت).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أَلَا وَإِنِّي أَنَا النَّذِيرُ وَعَلَيَّ الْبَشِيرُ .
 مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أَلَا وَإِنِّي مُنْذِرٌ وَعَلَيَّ هَادٍ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ،
 إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَيَّ وَصِيٌّ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ
 وَعَلَيَّ الْإِمَامُ وَالْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي ، وَالْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدُهُ .
 أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ .



وَصِيٌّ: جانشین من - وصیّ من	أَلَا: آگاه باشید
رسول: فرستاده شده	إِنَّمَا: همانا - فقط
الامام: پیشوا	أَنَا: من
الوصي: وصی - جانشین	النذير: کسی که هشدار می‌دهد
الائمة: امامان علیهم السلام	البشير: بشارت دهنده - مژده دهنده
ولده: فرزندان	منذر: هشدار دهنده - انذار کننده
والدهم: پدر آنها	علي: حضرت علی علیه السلام
يخرجون: خارج می‌شوند	هاد: هدایت کننده
من صلبه: از نسل او	نبي: پیامبر

مأموریت‌های مهم حضرت علی و ائمه (علیهم‌السلام) در راستای تداوم رسالت‌های

پیامبر ﷺ:

ای مردم، بدانید من انذارکننده و علی علیه‌السلام بشارت‌دهنده است.
ای مردم! آگاه باشید که من انذار کننده (شما از مخالفت با امر الهی) هستم و علی علیه‌السلام، هدایت‌کننده‌تان است.
ای مردم! من فرستاده خدا و پیامبر شما هستم و علی علیه‌السلام جانشین من است.

ای مردم، بدانید که من پیامبرم و علی علیه‌السلام امام و وصی بعد از من است.

رابطه و نسبت پیامبر ﷺ با فرزندان علی علیه‌السلام:

امامان بعد از علی علیه‌السلام فرزندان او هستند و بدانید که من پدر آنان هستم ولی ایشان از نسل علی علیه‌السلام خواهند بود.

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأُمَمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمُهْدِيَّ . أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ .
 أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ . أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا . أَلَا إِنَّهُ
 غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ وَهَادِيهَا . أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ
 لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ . أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ . أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ .
 أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ . أَلَا إِنَّهُ
 خَيْرَةُ اللَّهِ وَمُخْتَارُهُ . أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ .



الخاتم: آخرین	الغراف: بسیار استفاده کننده — بهره
أُمّة: امامان	گیرنده بسیار
منّا: از ماست	بحر: دریا
الظاهر: پشتیبان	یسیم: علامت می زند — مشخص
المنتقم: انتقام گیرنده	می کند
فاتح: فتح کننده	ذی فضل: صاحب فضل و بزرگواری
الحُصُون: قلعه ها — دژها	خیره: برگزیده و منتخب
هادم: ویران کننده — منهدم کننده	مختاره: اختیار شده او — انتخاب شده
المُدْرِك: گیرنده انتقام	او
ثار: خون	المحیط: در بر گیرنده — احاطه کننده
المدرک بثار: خونخواه — کسی که	— کسی که بر چیزی تسلط کامل دارد
انتقام خون را می گیرد	

ویزگیا و مأموریت‌های خاص حضرت مهدی علیه السلام:

ای مردم: آگاه باشید! که آخرین امام، مهدی قائم، «صلوات الله علیه» از ماست. آگاه باشید که او پشتیبان دین، انتقام گیرنده از ظالمان، فتح کننده و ویران کننده قلعه‌های (شرک و کفر) است. آگاه باشید (که مهدی علیه السلام) بر هر گروهی از اهل شرک غالب است و هدایت کننده آنهاست.

آگاه باشید اوست که انتقام خون دوستان خدا را می‌گیرد.

آگاه باشید که او یاری کننده دین خداست.

آگاه باشید که او (حضرت مهدی) از دریای عمیق (علم و قدرت الهی) بسیار بسیار بهره می‌گیرد (و زندگی سراسر پریشانی انسانها را سامان می‌دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله امام زمان علیه السلام را تشبیه کرده به کسی که در کنار دریایی عمیق باشد و آبهای زیادی را با دست از دریا بکشد و این دریا کنایه از دریای عدالت حق است که بسیار عمیق است و تمام انبیاء و اوصیاء الهی از این دریا استفاده کردند و جامعه را بهره‌مند نمودند ولی مهدی موعود علیه السلام بر حسب مأموریتی که دارد و باید عدل کامل را در جامعه پیاده کند و با استفاده فراوان از دریای علم، قدرت و عدالت خداوند، جامعه را از عدل و داد سیراب خواهد نمود).

آگاه باشید: اوست که هر صاحب فضیلتی را به قدر فضلش و هر صاحب جهالتی را به قدر جهلش مشخص می‌کند (در واقع او فضل و برتری‌های دانایان و جهل و بی‌خردی نادانان را می‌داند).

آگاه باشید که او برگزیده و منتخب خداست.

بدانید که وارث همه علوم و دانشها و حاکم بر ادراک‌هاست. (تمام علوم عالم به دست مبارک اوست).

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ . أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ
السَّيِّدُ . أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوِّضُ إِلَيْهِ . أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ
بَيْنَ يَدَيْهِ . أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ
إِلَّا عِنْدَهُ . أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ . أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ
فِي أَرْضِهِ ، وَحَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ ، وَأَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ .



المُخْبِرُ: خبر دهنده	مع: با او — همراه او
المُشِيدُ: بر پا کننده — بالا برنده	عنده: نزد او — پیش او
الرَّشِيدُ: رشد یافته	غالب: غلبه کننده
السَّيِّدُ: استوار	مَنْصُور: یاری شده
الْمُفَوِّضُ إِلَيْهِ: واگذار شده به او	أَرْضُهُ: زمین او
بَشَّرَ بِهِ: بشارت داد به او	حَكَمُهُ: حکم کننده و حاکم او
سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ: گذشتگان — پیشینیان	أَمِينُهُ: امین او
بَيْنَ يَدَيْهِ: پیش از او	سِرٌّ: پنهان
لَا حُجَّةَ: حجتی نیست	عَلَانِيَةً: آشکار

امتیازات و ارتباطات خاص حضرت مهدی علیه السلام با خداوند در راستای مأموریت‌های الهی:

آگاه باشید که او از سوی پروردگارش سخن می‌گوید و آیات و نشانه‌های او را بر پا می‌کند، آگاه باشید همانا او هدایت یافته‌ای استوار است (که در انجام مأموریتی که از طرف حق تعالی بر عهده دارد هیچگونه سستی و اضطراب به خود راه نمی‌دهد).

آگاه باشید که همانا او (کسی است که از جانب خداوند اموری) به او واگذار شده است. (خدای متعال او را برگزید و او را به عنوان خلیفه خود در زمین قرار داد تا خواسته‌اش را که همانا اجرای عدالت است در زمین پیاده کند به همین سبب اراده او اراده خدا و حکم او حکم خداست).

آگاه باشید که گذشتگان پیش از مهدی علیه السلام (مانند انبیاء پیشین و در کتب آسمانی گذشته) به (آمدن) او بشارت داده‌اند. آگاه باشید که او (آخرین وصی و حجت خدا در زمین است و تا روز قیامت) حجت باقی خواهد ماند و بعد از او (امام و) حجتی نیست.

و حقّی نیست مگر (آنچه) همراه او است و نوری نیست مگر آنچه نزد اوست. (پس حق آن است که او می‌گوید و راه آن است که او می‌پوید). آگاه باشید که هیچ کس نمی‌تواند بر او غلبه کند و کسی که بر ضد اوست یاری نمی‌شود (پس هر که در مقابل او بایستد سرکوب می‌شود). آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین و حاکم خدا در میان خلقتش و مورد اعتماد خدا در اسرار نهان و آشکار اوست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ ، وَهَذَا عَلَيَّ يُفْهِمُكُمْ
بَعْدِي . أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى
بَيْعَتِهِ وَالْإِفْرَارِ بِهِ ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي . أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلَيَّ
قَدْ بَايَعَنِي ، وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ . ﴿إِنَّ الَّذِينَ
يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ . فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا
يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِيسُورَتُهُ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ .



بَيَّنْتُ: بیان کردم - آشکار کردم

أَفْهَمْتُكُمْ: به شما فهماندم

يُفْهِمُكُمْ: به شما می فهماند

انْقِضَاء: پایان یافتن

خُطْبَتِي: سخنرانی من

أَدْعُوكُمْ: می خوانم شما را

مُصَافَقَتِي: دست دادن با من - دست

در دست من گذاشتن

بَيْعَتِهِ: بیعت کردن با او

بَايَعْتُ: پیمان بستم - بیعت کردم

بَايَعَنِي: با من پیمان بست - بیعت کرد

با من

آخِذ: گیرنده

يُبَايِعُونَكَ: با تو بیعت می کنند

نَكَثَ: پیمان شکنی کرد

يَنْكُثُ: پیمان شکنی می کند

عَلَى نَفْسِهِ: به ضرر خودش

أَوْفَى: وفا کند

عَاهَدَ: عهد بست

فَمِيسُورَتُهُ: پس به زودی خواهد داد او

را - عطا خواهد کرد به او

دعوت رسمی پیامبر ﷺ از مردم جهت بیعت با ولایت علی علیه السلام:

ای مردم قطعاً (من حقایق را) برای شما بیان کردم و به شما فهماندم و البته این علی علیه السلام (نیز) بعد از من (واقعیتها را) به شما می فهماند. (و امر الهی را برای شما تکرار خواهد کرد).

آگاه باشید که من هنگام پایان یافتن خطبه ام از شما دعوت خواهم کرد به دست دادن با من بر بیعت با علی علیه السلام و اقرار به (امامت) او سپس (شما را دعوت خواهم کرد) به دست دادن با او بعد از من.

بدانید که من با خدا بیعت کردم و علی هم با من بیعت کرده است و من از طرف خدای بلند مرتبه از شما برای او بیعت می گیرم (چنانکه خداوند می فرماید: ای پیامبر ﷺ) کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می کنند و دست خداوند هم بر روی دست آنهاست پس هر کس بیعت را بشکند این شکستن به ضرر خود اوست و هر کس به آنچه با خدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد.

درس پنجاه و پنج سفارش اکید به انجام حج و توجه به فلسفه و پیام آن

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ ، ﴿فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ
أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ
شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، حِجُّوا الْبَيْتَ ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ
إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَأُبْشِرُوا ، وَلَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا بُيِّرُوا وَافْتَقَرُوا .
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ
مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ .



شَعَائِر: علامتها - نشانه‌ها	بِتَرَا: منقطع شدند - بریده شدند
حَجَّ: حج به جای آورد	افْتَقَرُوا: فقیر شدند
اعْتَمَرَ: عمره به جای آورد	ما وَقَفَ: نایستاد - توقف نکرد
جُنَاح: گناه	مَوْقِف: محل ایستادن
يَطَّوَّف: طواف کند	غَفَرَ: بخشید
تَطَوَّعَ: با میل و رغبت انجام داد	ما سَلَفَ: آنچه گذشت
علیم: دانا	ذَنْب: گناه
حِجُّوا: حج به جای آورید	الی وَقْتِهِ ذَلِكَ: تا آن موقع
فَمَا وَرَدَهُ: پس وارد نشدند به آن	انْقَضَتْ: پایان یافت
اسْتَغْنَوْا: بی نیاز و غنی شدند	استأنف: شروع کرد - از سر گرفت -
أُبْشِرُوا: شاد شدند - مژده گرفتند	از نو شروع کرد
لا تَخْلَفُوا: تخلف نکردند - ترک نکردند	

توجه به محتوا و پیام حجّ جهت تحکیم وحدت و دوری از تفرقه و جدال:

ای مردم حج و عمره از شعائر الهی هستند.

(یکی از اعمال واجب در حج، سعی بین صفا و مروه است که حاجی باید هفت مرتبه فاصله میان این دو کوه را با شرایط خاص ببیماید. طبق روایتی از امام صادق علیه السلام سعی بین صفا و مروه جز برای شکستن غرور متکبران واجب نگردیده و شاید دلیل اینکه رسول اکرم در این بخش از خطبه اشاره به سعی صفا و مروه کرده همین باشد که متکبران و گردنکشان عصر خود را که احتمالاً در مقابل ولایت علی مقاومت خواهند کرد به نوعی به تربیت عملی وادارد تا تکبر آنها در هم بشکند. به همین جهت ضمن سخنان خود این آیه را تلاوت کرده و فرمودند: ای مردم! همانا صفا و مروه از نشانه‌های حجّ و محل عبادت خداست) پس هر کس حج یا عمره به جای آورد گناهی بر او نیست که بر صفا و مروه بسیار طواف کند. و هر کس کار خیری را از روی میل و رغبت و بدون چشم‌داشتی به جای آورد پس خداوند نیز قدردان (عمل او) و داناست (به آنچه می‌کند).

ای مردم حج خانه خدا را به جای آورید پس هیچ خاندانی وارد خانه خدا نمی‌شود و حج خانه خدا به جا نمی‌آورد، مگر اینکه غنی و بی‌نیاز شده و شاد می‌گردد و کسی (که استطاعت و شرایط به جای آوردن حج را دارد) از آن تخلف نکرده مگر اینکه فقیر شده و (از رحمت الهی) منقطع می‌شود.

ای مردم هیچ مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر و منی) توقف نمی‌کند مگر اینکه خداوند گناهان گذشته او را تا آن زمان می‌آمرزد، پس هر گاه حجّ او پایان یافت (مانند کسی خواهد بود که تازه متوکل شده و هیچ گناهی ندارد و می‌تواند با نامه عمل پاک) عمل خود را شروع کند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ
مُخَلَّفَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ .
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، حِجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ
وَالْتَفَقُّهُ ، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِقْلَاعٍ .



مُعَانُونَ: یاری شدگان	الْمَشَاهِد: مکانهای حضور
نَفَقَاتُهُمْ: مخارج آنها	إِقْلَاع: خودداری کردن - باز ایستادن
مُخَلَّفَةٌ: جایگزین شده	(ترک گناه)
لَا يُضِيعُ: ضایع نمی‌کند	أَقِيمُوا: بر پای دارید
مُحْسِنِينَ: نیکوکاران	آتُوا: بپردازید
الْتَفَقُّهُ: فهمیدن - فهم در دین -	كَمَا أَمَرَكُمْ: آنگونه که به شما فرمان
یادگیری فقه	داد
لَا تَنْصَرِفُوا: بازنگردید	

عنایات و الطاف خاص خداوند برای حاجیان دین‌شناس:

ای مردم حاجیان (از طرف) خدا یاری میشوند (و مورد لطف خاص او قرار می‌گیرند) و روزی آنها کامل می‌رسد و هزینه‌های سفرشان جبران می‌شود (و هزینه‌هایی که خرج کردند برای آنان ذخیرهٔ روز قیامت است و مطمئن باشید که) خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.

شرایط بهره‌مند شدن از برکات معنوی حج:

ای مردم حج خانهٔ خدا را به جای آورید در حالی که دین خود را کامل کرده باشید و دین‌شناس باشید (پس لازم است قبل از رفتن به حج، احکام و مسائل آن را یاد بگیرید و در عظمت معنوی آن مطالعه کرده و با آن آشنا شوید و دین خود را با قبول ولایت اهل بیت علیهم‌السلام به کمال برساند پس از رفتن به حج و انجام مناسک آن) از این زیارتگاه برنگردید مگر با توبه و (تصمیم بر) ترک گناه (و کنده شدن از تعلقات پوچ دنیوی که شما را از درگاه الهی دور می‌کند).

(رسول اکرم پس از پرداختن به مسأله حج، به دو فرع دیگر از فروع دین که اهمیتی خاص دارد پرداخته و می‌فرمایند: ای مردم نماز را برپای دارید و زکات بپردازید آنطور که خداوند بزرگ (در آیات قرآن) به شما فرمان داده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
 كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ
 فَقَصِّرُوا أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِيٍّ وَلَيْسَ لَكُمْ ؛
 الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينَ خَلَفِهِ .
 إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ ، وَهُوَ وَمَنْ يَخْلُفُ مِن دُرِّي
 يُخْبِرُوكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ .



طال: طولانی شد	انا منه: من از او هستم
أمد: زمان	يخلف: جانشین می شود
فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ: اگر زمان	يُخْبِرُوكُمْ: آگاه می کنند شما را — خبر
طولانی بر شما گذشت	می کنند شما را
فَقَصِّرُوا: پس کوتاهی کردید	بِمَا تَسْأَلُونَ: از آنچه می پرسید
نَسِيتُمْ: فراموش کردید	يُبَيِّنُونَ: بیان می کنند
مُبَيِّن: بیان کننده — آشکار کننده	مَا لَا تَعْلَمُونَ: آنچه نمی دانید
مَنِي: از من است	

معرفی حضرت علی علیه السلام و فرزندان علیهم السلام به عنوان حاکمان دینی بعد از

پیامبر صلی الله علیه و آله:

اگر زمانی طولانی گذشت (و در انجام اوامر الهی) کوتاهی کردید یا (آنرا) فراموش کردید پس علی علیه السلام سرپرست شما و بیان کننده (احکام الهی) برای شماست (به او رجوع کنید و هر چه از مسائل شریعت نمی‌دانید از او بپرسید زیرا او) کسی است که خدای بزرگ او را بعد از من (به امامت امر مسلمین) به عنوان امین مردم (و جانشین من) برای شما منصوب کرده است.

او از من است و من از اویم و هر چه از او و فرزندان من از نسل او (در مورد احکام شریعت و حقایق دین) بپرسید (به شما) خبر می‌دهد و (احاطه علمی او چنان وسیع است که تمام) آنچه را نمی‌دانید برای شما بیان می‌کند.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا
وَأُعَرِّفَهُمَا؛ فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَأَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ
وَاحِدٍ، فَأَمِرْتُ أَنْ أَخْذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ
بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيٍّ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي
وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمٍ
يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدِّرُ وَيَقْضِي.

ما جئتُ به: آنچه آوردم آن را	أَنْ أَحْصِيَهُمَا: که بشمارم آن دو را
الأوصياء: جانشینان	أُعَرِّفَهُمَا: بفهمانم آن دو را
قائمة: بر پا کننده	فَأَمُرُ: پس امر می‌کنم
خاتمها: آخرین آن	أَنْهَى: نهی می‌کنم
يَلْقَى: ملاقات می‌کند	أُمِرْتُ: مأمور شدم
يُقَدِّرُ: اندازه می‌گیرد — مقدّر می‌کند	أَنْ أَخْذَ: که بگیرم
يَقْضِي: حکم می‌کند	الصَّفْقَةَ: دست در دست گذاشتن — بیعت کردن

معرفی حضرت علی علیه السلام و امامان علیهم السلام جهت مراجعات دینی مردم تا قیامت:

آگاه باشید که همانا (تعداد) حلال و حرام بیشتر از آن است که من آنها را بشمارم (و در این فرصت کوتاه عمرم همه را) به شما یاد دهم. پس به صورت یکجا و در قالب یک دستور کلی و جامع، شما را به امور حلال (و انجام واجبات) امر می‌کنم و از امور حرام نهی می‌کنم. (و اما راه یادگیری حلال و حرام آن است که به جانشینان بر حق من که علی و اولاد علی علیهم السلام هستند، رجوع کنید و هر آنچه را که من در مدت کوتاه عمرم نتوانستم برای شما بیان کنم از ایشان بپرسید).

بیعت گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم برای حضرت علی علیه السلام و همه امامان علیهم السلام:

(به همین جهت است که من از جانب خداوند متعال) مأمور شده‌ام که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم (و از شما اقرار بگیرم) به قبول کردن آنچه که از طرف خدای بلند مرتبه در مورد امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امامان بعد از او آورده‌ام، ایشان از من (و از جان من) هستند.

و از (نسل) علی امامانی منصوب شده‌اند که یکی از آنها و قائم آنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است که تا روز قیامت به حق حکومت خواهد کرد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ
حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ
وَلَمْ أُبَدِّلْ . أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ ،
وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تُغَيِّرُوهُ .



دَلَلْتُكُمْ: راهنمایی کردم شما را	احْفَظُوا: حفظ کنید - محافظت کنید
نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ: نهی کردم شما را از آن	تَوَاصَوْا بِهِ: آن را به یکدیگر سفارش
لَمْ أَرْجِعْ: برنگشتم	کنید - توصیه کنید به همدیگر
لَمْ أُبَدِّلْ: تبدیل و عوض نکردم	لَا تُبَدِّلُوهُ: آن را عوض نکنید
فَادْكُرُوا: پس به یاد آورید - یاد	لَا تُغَيِّرُوهُ: آن را تغییر ندهید
بگیرید	

عدم تغییر و تبدیل در حلال‌ها و حرام‌های تعیین شده از جانب پیامبر ﷺ:

ای مردم! هر حلالی که شما را بر آن راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی کردم، (هیچگاه) از آن برنگشتم و آن را عوض نمی‌کنم. (چرا که مصادیق حلال و حرام را خدای تعالی وضع نموده است و کسی نمی‌تواند از جانب خود کم و زیادی در آن ایجاد نماید).

ضرورت یاد گرفتن حلال و حرام‌های احکام شرعی، و یاد دادن آنها به دیگران:

توجه کنید که همیشه آن (واجبات و محرمات) را به یاد داشته و آنها را حفظ کنید. آنها را به یکدیگر توصیه کنید و (از جانب خود) تغییر نداده و (چیزی را) جایگزین آن نکنید.

أَلَا وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ : أَلَا فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
وَاءَمُّرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ . أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ
الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ
بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوْهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنِّْي .
وَلَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٌ عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ .

رَأْسُ الْأَمْرِ: بالاترین امر الهی	أُجَدِّدُ: تکرار می‌کنم
تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي: سخن مرا بفهمید،	الْقَوْل: سخن - گفتار
به عمق سخن من برسید و دریابید	أَقِيمُوا: به پای دارید
تُبَلِّغُوهُ: ابلاغ کنید آن را - برسانید آن	آتُوا: بپردازید
را	وَأَمُّرُوا: امر کنید
مَنْ لَمْ يَحْضُرْ: کسی که حاضر نیست	بِالْمَعْرُوف: به نیکی - کارهای نیک و
- حضور ندارد	پسندیده
تَأْمُرُوهُ: امر کنید او را	وَأَنْهَوْا: نهی کنید - باز بدارید
تَنْهَوْهُ: نهی کنید او را	عَنِ الْمُنْكَرِ: از زشتی‌ها

دستور اکید خداوند و پیامبر ﷺ به مردم در خصوص پذیرش ولایت علیؑ و اولادش (علیهم السلام) جهت آشنایی و عمل به احکام و فروع دین:

توجه کنید که من دوباره این سخن را تکرار می‌کنم: نماز را برپای دارید و زکات را پردازید و امر به معروف و نهی از منکر کنید.

آگاه باشید که بالاترین امر به معروف و نهی از منکر این است که سخن مرا (درباره ولایت علی و اولادش پس از من) دریابید و به هر کس که حضور ندارد برسانید و او را به قبول این سخن امر کنید و از مخالفت با آن بازدارید پس این فرمانی از جانب خدای بلند مرتبه و من است.

(ای مردم مطمئن باشید که) هیچ امر به معروف و نهی از منکر نیست مگر با (وجود) امام معصوم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ
بَعْدِهِ وُلْدُهُ ، وَعَرَّفْتُكُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ ، حَيْثُ
يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ : ﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً
فِي عَقِبِهِ﴾ ، وَقُلْتُ : «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا» .



يُعَرِّفُكُمْ: آگاه می‌کند شما را - معرفی	جَعَلَهَا: قرار داد آن را
می‌کند به شما	كَلِمَةً بَاقِيَةً: سخن باقی
وُلْدُهُ: فرزندان او	فِي عَقِبِهِ: در پشت او - در نسل او
عَرَّفْتُكُمْ: آگاه کردم شما را	قُلْتُ: گفتم
أَنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ: که ایشان از من و از	لَنْ تَضِلُّوا: هرگز گمراه نمی‌شوید
او هستند	مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا: مادامی که به آن
حَيْثُ: آنجا که	دو چنگ بزنید

تأکید خداوند در قرآن مبنی بر جاودانگی امامت علی علیه السلام و یازده فرزندش تا قیامت:

ای مردم! قرآن به شما معرفی می‌کند که امامان بعد از علی، فرزندان او هستند.

و من هم آگاه کردم شما را که فرزندان علی علیه السلام، از من و از علی علیه السلام هستند به طوری که خداوند نیز در قرآن به این مطلب اشاره می‌فرماید: و آن (امامت) را کلمه‌ای ماندگار و همیشگی در نسل او قرار داد. (یعنی امامت، در اولاد علی علیه السلام به عنوان امری جاودانه تا قیامت باقی خواهد ماند).

تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص تمسک به قرآن و عترت (علیهم السلام):

و همچنین گفتم (و تأکید کردم): مادامی که به قرآن و عترت تمسک جویند هرگز گمراه نمی‌شوید.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، التَّقْوَى ، التَّقْوَى ، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : ﴿إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ﴾ .
أَذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْمَعَادَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ
وَالْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالثَّوَابَ
وَالْعِقَابَ . فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ عَلَيْهَا وَمَنْ
جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ .



إِحْذَرُوا: بترسید	العقاب: عذاب
السَّاعَةُ: قیامت	فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ: هر کس کار نیکی
كَمَا: همانطور که	بیاورد
شَيْءٌ عَظِيمٌ: حادثه بزرگ	أُثِيبَ: پاداش داده می شود - ثواب
أَذْكُرُوا: به یاد آورید	داده می شود
الْمَمَاتَ: مرگ	السَّيِّئَةِ: گناه
الْمَوَازِينَ: ترازوها	فَلَيْسَ لَهُ: پس نیست برای او
الْمُحَاسَبَةَ: حسابرسی	الْجَنَانِ: باغها
بَيْنَ يَدَيِ: در مقابل - پیش رو - در	نَصِيبَ: بهره
پیشگاه	

ضرورت توجه به خودسازی و یاد مرگ و معاد:

ای مردم (شما را اکیداً سفارش می‌کنم به) تقوی و پرهیزکاری. (که) مهمترین بخش آن انجام واجبات و ترک محرمات است).

بترسید از روز قیامت (و از هم اکنون خود را برای آن امر عظیم آماده کنید و توشه‌ای بفرستید و تصور نکنید که مسأله قیامت امری ساده و سهل است) چرا که خدای بزرگ فرموده:

«همانا زلزله روز قیامت حادثه بسیار بزرگی است».

(ای مردم یاد مرگ و قیامت و حسابرسی دقیق آن، انسان را متذکر می‌سازد و او را به آمادگی برای آن وامی‌دارد پس، همیشه به یاد مرگ و حساب و ترازوها (ای اعمال) و محاسبه (اعمال) در پیشگاه پروردگار جهانیان و پاداش (خوبیها) و کیفر (گناهان) باشید.

پس هر کس کار نیکی بیاورد پاداش داده می‌شود و هر کس گناه (مخالفت ولایت علی و بغض او) بیاورد از بهشت بهره‌ای ندارد (پس ای مردم! مبدا پس از من فریفته دنیا شوید و دستورات خدا و سولش را زیر پا بگذارید. بدانید که زندگی به همین چند روزه دنیا ختم نمی‌شود بلکه زندگی ابدی در آخرت خواهد بود و حسابرسی سختی در انتظار شما است).

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ فِي وَفْتٍ وَاحِدٍ ،
وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ
لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَلَمْ يَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ ، عَلَى
مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنْ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ . فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ : «إِنَّا سَامِعُونَ
مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي
أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ .



فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: پس بگویند همه شما	أَنْ تُصَافِقُونِي: که دست دهید با من
با هم	بِكَفٍّ وَاحِدٍ: با یک دست
سامعون: شنوندگان	أَمَرَنِي: امر کرد به من
مُطِيعُونَ: اطاعت کنندگان	أَنْ أَخَذَ: که بگیرم
راضُونَ: خشنودها	أَلْسِنَتِكُمْ: زبانهایتان
مُتَقَادُونَ: فرمانبرداران — کسانی که	بِمَا عَقَّدْتُ: به آنچه پیمان گرفتم
مطيع هستند	لَمْ يَنْ جَاءَ بَعْدَهُ: برای کسی که بعد از او
لِما بَلَّغْتَ: به آنچه رساندی	می آید
وُلْدَهُ: فرزندان او	أَعْلَمْتُكُمْ: آگاه کردم شما را

دعوت پیامبر ﷺ از مردم جهت بیعت کردن با علی علیه السلام و یازده فرزندش:

(پس از آنکه حضرت، مردم را با سخنانی شیوا و تأثیرگذار آماده ساخت، جهت بیعت گرفتن از آنها برای ولایت علی و اولادش چنین فرمود):

ای مردم! تعداد شما بیشتر از آن است که دست در دست من نهید (و به این وسیله با من پیمان ببندید و علی را به امامت پذیرفته و با او بیعت کنید. از طرفی) خدای بلند مرتبه مرا مأمور کرده است که از شما به زبان اقرار بگیرم به آنچه پیمان گرفتم (از شما) برای علی، (و آن) ولایت و سرپرستی علی بر مؤمنین است و کسانی که بعد از او می آیند (و ولایت امر شما را از جانب خدا به عهده می گیرند) امامانی از نسل من و او هستند همانطور که (قبلاً چند بار) شما را آگاه کردم که فرزندان من از صلب او هستند. پس (حال که چنین است به نشانه بیعت با علی) همگی بگوئید:

ما (آنچه را تو ای رسول خدا، فرمودی) شنیدیم و اطاعت می کنیم و (به) آن راضی هستیم و آنچه را از طرف پروردگارمان در مورد علی و فرزندان او و امامان از صلب او آوردی اطاعت می کنیم.

نُبَايِعُكَ عَلَىٰ ذَٰلِكَ بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا
وَأَلْسِنَتِنَا وَأَيْدِينَا . عَلَىٰ ذَٰلِكَ نَحْيِي وَعَلَيْهِ نَمُوتُ
وَعَلَيْهِ نُبْعَثُ . وَلَا نُغَيِّرُ وَلَا نُبَدِّلُ ، وَلَا نَشْكُ
وَلَا نَجْحَدُ وَلَا نَرْتَابُ ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ
وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ .



نُبَايِعُكَ: بیعت می کنیم	لَا نُغَيِّرُ: تغییر نمی دهیم
أَنْفُسِنَا: جانهایمان	لَا نُبَدِّلُ: عوض نمی کنیم
أَلْسِنَتِنَا: زبانهایمان	لَا نَشْكُ: شک نمی کنیم
أَيْدِينَا: دستهایمان	لَا نَرْتَابُ: دچار تردید نمی شویم
نَحْيِي: زنده ایم — زندگی می کنیم	لَا نَرْجِعُ مِنَ الْعَهْدِ: از پیمان خود بر نمی گردیم
نَمُوتُ: می میریم	لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ: پیمان را نمی شکنیم
نُبْعَثُ: برانگیخته می شویم	

اقرار مردم به بیعت و پذیرش ولایت دوازده امام (علیهم السلام) تا قیامت:

ما با تو (برای پذیرفتن ولایت علی و فرزندان او) با قلبها و جانها و زبانها و دستهایمان بیعت می‌کنیم.

و بر این (عقیده) زنده‌ایم و می‌میریم و (و در قیامت) برانگیخته می‌شویم و (هیچگاه از جانب خود آن را) تغییر نداده و عوض نمی‌کنیم و در آن شک نکرده و مردّد نمی‌شویم. و از پیمان خود (با رسول خدا و علی) برنمی‌گردیم و پیمان‌شکنی نمی‌کنیم.

وَعَظَّمْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ
 مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ وَمَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا .
 فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَاخُودٌ مِنَّا ، مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنِّتِنا
 وَضَمَائِرِنَا وَأَيْدِينَا . مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَإِلَّا فَقَدْ أَقْرَأَ بِلِسَانِهِ ، وَلَا نَبْتَغِي
 بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا . نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ
 الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا ، وَنُشْهَدُ اللَّهَ بِذَلِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ
 شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ .

وَعَظَّمْنَا: موعظه کردی ما را -	لایری: نمی بیند
نصیحت کردی ما را	من آنفسنا: از خودمان
بوعظ الله: به موعظه و پند الهی	حولاً: انتقالی - تغییری
ذَكَرْتَ: ذکر کردی - یادآور شدی	نحن: ما
مَاخُودٌ مِنَّا: اخذ شده از ما	نُؤَدِّي: ادا می کنیم - می رسانیم
ضَمَائِرِنَا: درون مان - روح مان	الدانی: نزدیک
أَيْدِينَا: دستهایمان	القاصی: دور
أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ: با دستانش آن دو را	أهالینا: فامیلان - اهل خودمان
لمس و درک کرد	نشهد: شاهد می گیریم
أَقْرَأَ: اقرار کرد	کفی: کافی است
لَا نَبْتَغِي: نمی خواهیم	شَهِيد: شاهد - گواه
بَدَل: عوض - جایگزین	

اقرار مکرر و پیمان محکم و تعهد قطعی و برگشتناپذیر مردم برای پذیرش

ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام و یازده فرزندش (علیهم السلام):

(مردم به دنبال سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند:)

تو ما را به موعظه الهی نصیحت نمودی درباره علی امیرالمؤمنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند، یعنی حسن و حسین و آنان که خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلبها و جان و زبان و روح و دستهایمان.

هر کس توانست با دست بیعت می نماید و گرنه با زبانش اقرار می کند و هرگز به دنبال تغییر این عهد و پیمان نیستیم و خداوند از ما دگرگونی و عهدشکنی نیند.

ما این مطالب را از قول تو به افراد نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلان می رسانیم و خدا را بر آن شاهد می گیریم و خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، مَا تَقُولُونَ ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ
 كُلِّ نَفْسٍ ، ﴿فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا﴾ ،
 وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ ، ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ،
 فَبَايِعُوا اللَّهَ وَبَايِعُونِي وَبَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ
 وَالْأَئِمَّةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَلِمَةً بَاقِيَةً ؛ يُهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ
 وَيَرْحَمُ مَنْ وَفَى . ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ
 بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ .

ما تقولون: چه می گوید؟	یُهلک: هلاک کند
خافیه: پنهانی ها	غَدَرَ: پیمان شکنی کرد - خیانت کرد
اهتدی: هدایت شد	یرحمُ الله: خدا رحمت می کند
فلنفسه: پس به نفع خود اوست	من وفی: کسی که وفادار باشد
ضلَّ: گمراه شد	نكَثَ: پیمان شکنی کرد
بضلَّ: گمراه می کند	يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ: به ضرر خودش
عليها: به ضرر خودش	پیمان شکنی کرده است
من بايَعَ: هر کس بیعت کند	من أوفى: کسی که وفا کند
يُبايِع: بیعت می کند	بما عاهد عليه الله: به آنچه پیمان بست
يد: دست	با خدا - به پیمانی که با خدا بست
أيديهم: دستهایشان	فسيوُتیه: پس به زودی خواهد داد به
فبايَعوا: بیعت کنید	او

دعوت مکرر به بیعت با ولایت ائمه (علیهم السلام):

ای مردم چه می‌گویید؟ (بدانید که یقیناً) خداوند هر صدایی (را می‌شنود) و پنهانی‌ها و درون هر کسی را می‌داند پس هر کس (در باطن خود و در اعماق جان خود، به خدا ایمان آورده و به راه او) هدایت یابد، به نفع خود اوست و هر کس گمراه شود این گمراهی به ضرر خود اوست.

و هر کس (با امر ولایت) بیعت کند پس همانا با خدا بیعت کرده است. (و بدانید که) دست خدا بالای دستهای آنهاست (که بیعت می‌کنند).
ای مردم با خدا بیعت کنید و با من بیعت کنید و با علی امیرالمؤمنین و حسن و حسین و امامان از ایشان در دنیا و آخرت به عنوان امامی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنید.

هشدار شدید به پیمان‌شکنی و خیانت در ولایت:

خداوند هر کس را که خیانت و پیمان‌شکنی کند به ورطه هلاکت می‌کشانند و هر کس را که (به ولایت علی و اولادش) وفادار بماند مورد لطف و رحمت قرار می‌دهد، پس هر کس پیمان‌شکنی کند (و بر عهده‌ای که امروز با خدا و پیامبرش بسته باقی نماند) به ضرر خود اوست.
و هر کس به آنچه با خدا پیمان بسته وفا کند به او اجر عظیمی عنایت خواهد شد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَسَلُّمُوا
عَلَى عَلِيِّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَقُولُوا : ﴿سَمِعْنَا
وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ ، وَقُولُوا :
﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا
أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ﴾



قولوا: بگوئید	هَدَانَا: راهنمایی کرد ما را
قُلْتُ: گفتم	لهَذَا: به این امر
سَلُّمُوا: سلام کنید	وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ: و هرگز هدایت
إِمْرَةً: ولایت - سرپرستی	نمی شدیم
سَمِعْنَا: شنیدیم	لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ: اگر خدا ما را
أَطَعْنَا: اطاعت کردیم	هدایت نکرده بود
غُفْرَانَكَ: آمرزش تو	
إِلَيْكَ الْمَصِيرُ: بازگشت به سوی	
توست	

دعوت پیامبر ﷺ از مردم از جهت پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام:

ای مردم، آنچه به شما گفتم بگویید (و تکرار کنید) و به علی علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین سلام کنید و بگویید:
(خدایا)، شنیدیم (ابلاغ رسول خدا درباره ولایت امیرالمؤمنین را) و اطاعت کردیم.
(خدایا) ما را پیامرز و بازگشت به سوی توست.

هدایت در پرتو ولایت:

و بگویید: «ستایش مخصوص خدایی است که ما را به این امر راهنمایی کرد و اگر خداوند ما را هدایت نکرده بود، ما هدایت نمی شدیم و پیامبران الهی به حق آمده اند.»

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ
 اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَقَدْ أُنْزِلَتْ فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ
 أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ ، فَمَنْ أُنْبَأَكُمْ بِهَا وَعَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ .



فضائل: فضیلت‌ها - برتری‌ها

أُنْزِلَتْ: نازل کرد آنرا

أَنْ أُحْصِيَهَا: که بشمارم آنرا

فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ: در یک جا

فَمَنْ أُنْبَأَكُمْ بِهَا: پس هر کس خبر آن را

به شما داد

أُنْبَأَكُمْ: خبر داد به شما

عَرَفَهَا: آن را شناخت - معرفت آن را

داشت

فَصَدَّقُوهُ: پس او را تصدیق کنید

ذکر فضائل حضرت علی علیه السلام در بسیاری از آیات قرآن:

ای مردم:

همانا فضیلت‌های علی بن ابیطالب علیه السلام نزد خدای بلندمرتبه که در قرآن ذکر فرموده بیشتر از آن است که آنها را یکجا بشمارم، پس هر کس از آن فضیلتها از روی شناخت و معرفت به شما خبر داد (و آن را برای شما توصیف کرد) حتماً او را تصدیق کنید.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا
وَالْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيماً .
مَعَاشِرَ النَّاسِ ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاتِهِ
وَالْتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ
الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ .



مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ: هر کس اطاعت کند خدا را	مُؤَالَاتِهِ: ولایت او
ذَكَرْتُهُمْ: ذکر کردم آنها را	التَّسْلِيمِ: سلام کردن
فَقَدْ فَازَ: قطعاً پیروز شدم	إِمْرَةً: ولایت - سرپرستی
فَوْزاً عَظِيماً: پیروزی بزرگ	الْفَائِزُونَ: پیروزمندان - رستگاران
السَّابِقُونَ: پیشی گیرندگان	جَنَاتِ النَّعِيمِ: باغهای پر نعمت
مُبَايَعَتِهِ: بیعت با او	قولوا: بگویند

اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ و امامان (علیهم السلام) عامل رستگاری و نجات:

ای مردم، هر کس از خداوند و رسول او و علی و امامان (یازده گانه پس از علی علیه السلام) که بارها ذکر کرده ام اطاعت کند، قطعاً پیروزی بزرگی نصیب او می شود. (و به فلاح و رستگاری نائل می گردد).

نتیجه بیعت و اطاعت از امیرالمؤمنین علیه السلام:

ای مردم کسانی که در بیعت کردن و پیروی از علی و سلام کردن به او با لقب امیرالمؤمنین پیشی گیرند، آنان رستگارانند و در باغهای بهشت پرنعمت خواهند بود.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ
 مِنَ الْقَوْلِ ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
 جَمِيعاً فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ
 بِمَا أَدَّيْتُ وَأَمَرْتُ وَاعْظِبْ عَلَى الْجَاهِدِينَ الْكَافِرِينَ ،
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .



ما يُرضى: آنچه راضی می‌کند
 فَإِنْ تَكْفُرُوا: پس اگر کفر ورزید -
 انکار کنید
 فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً: پس هیچ ضرری به
 خدا نخواهد رساند
 اغْفِرْ: ببامرز
 أَدَّيْتُ: ادا کردم
 أَمَرْتُ: امر نمودم
 وَاعْظِبْ: و غضب کن
 الْجَاهِدِينَ: انکار کنندگان

تبلیغ و اشاعه فرهنگ ولایت مداری عامل جلب رضایت خداوند:

ای مردم! بگویید آن سخنی را که خداوند را از شما راضی کند (و در تبلیغ واقعیت غدیر بکوشید، البته اگر آنچه خدا را راضی می‌کند نگویید (و) اگر شما و همه مردم روی زمین کافر شوید، به خداوند هیچ ضرری نخواهد رسید (زیرا خداوند هیچ احتیاجی به عبادت و اطاعت بندگان ندارد و از اطاعت آنها نفعی نمی‌برد و از معصیت ایشان هم ضرری نمی‌بیند بلکه نفع و ضرر در صورت طاعت یا معصیت به خود بندگان برمی‌گردد).

(رسول خدا در پایان خطابه به ذات پاک الهی عرض می‌کند):
خدایا مردان و زنان با ایمان را بیامرزد و بر کافران خشم گیر.
حمد و ستایش مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است.

«الحمد لله رب العالمین و الحمد لله الذی جعلنا
من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب
والائمة الطاهرین (علیهم السلام)»

(در اینجا بود که سخنان مهم رسول خدا به پایان رسید. سخنانی که در آن روز گرم و در آن بیابان سوزان و در زیر تابش آفتاب برای انبوهی از مهاجرین و انصار و مسلمانان از اقصای بلاد اسلامی ایراد شده بود و بس به درازا کشیده بود. چون رسول اکرم ذکر خطبه را به پایان رسانید و فرمان خدای متعال را ابلاغ فرمود پیش از آنکه مردم متفرق گردند این آیه نازل گردید:

«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا»: امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و به اسلام به عنوان دینی برای شما راضی شدم. پیامبر در حالی که مسرور گردیده بود، فرمود: الله اکبر از اكمال دین و اتمام نعمت. پروردگار به رسالت من و ولایت علی بعد از من خشنود گردید.

پس از آن رسول خدا در خیمه مخصوص خود نشست و به امیرالمؤمنین علی دستور داد که در خیمه دیگر بنشیند و به مردم امر کرد بر علی در خیمه اش تبریک گویند. زمانی که مردم از تبریک گفتن به امیر المؤمنین فارغ شدند رسول خدا به همسران خود نیز دستور داد که به سوی امیرالمؤمنین علی علیه السلام بروند و به او تبریک گویند و همسران پیامبر نیز چنین کردند.

و یکی از صحابه که به امیرالمؤمنین تبریک گفت عمر بن خطاب بود که به حضرت عرض کرد: «گوارای وجودت باد ای پسر ابیطالب! تو مولای من و مولای همه مردان و زنان مؤمن شدی».